

پیشینه و ریشه های جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم در تاریخ جهان صفحه ۲۱	اعلامیه کمیته هماهنگی بین المللی صفحه ۲۱	در جنبش جهانی کمونیستی صفحه ۲۱	گوشه کوچکی از وضعیت اسفناک زنان در خاورمیانه صفحه ۱۰	معضلاتی که جهانی هستند! صفحه ۸	پارلمانتاریسم افیون دوم تحمیق توده ها! صفحه ۷
---	---	-----------------------------------	---	-----------------------------------	--

باز هم در مورد حزب سازی! (به رفقای نشریه تدارک حزب انقلابی)

مرتجعان قرار داشت. نتیجه ی این وضعیت شوم و شکست دولتهای سوسیالیستی به دلیل فتح دژ سوسیالیسم از درون توسط رویزیونیسم مدرن، ضعف نیروی مقاومت متفکر و روشن بین در درون جنبش کارگری توسط فعالان کارگری کمونیست طی این نیم قرن، میدان را برای نفوذ افکار طبقات غیرپرولتاری در درون جنبش کارگری فراهم نمود. مدعیانی که بدون داشتن پیوند با جنبش کارگری و بدون اعتقاد به و یا درک عمیق از تئوری انقلابی و علمی طبقه کارگر - کمونیسم علمی - و وفاداری نسبت به آن، مشغول صادرکردن انواع دیدگاههای مبارزاتی شدند که مغایر با این دیدگاه علمی طبقه کارگر بود:

کمونیسم علمی طی ۱۶۷ سال اخیر بر اساس جمعبندی از مبارزات استنمارشونده گان بقیه در صفحه دوم

نزدیک ۵۰ سال است که در جنبش چپ ایران امر حزب سازی طبقه کارگر در مبارزه علیه نظرات رویزیونیستی مدرن جایگاه بزرگی را اشغال کرده است. نفوذ ایده نولوژی و شیوه تفکر خرده بورژوائی در درون جنبش چپ مدافع طبقه کارگر و تبلیغ ارتجاعی امپریالیستی - بورژوائی و خرده بورژوائی در ایران در مورد مضرات حزب کمونیستی ساختن به ویژه به دلیل عمل کرد رهبری حزب توده و نفی تشکیلات حزبی واحد، دست به دست هم داده و موج بدبینی بزرگی را در این جنبش دامن زده اند که نتیجه منحوس آن تولد پلورالیسم تشکیلاتی بود که از هر نظر هم به نفع دیدگاه فرقه گرایانه خرده بورژوائی بوده و هم در رابطه با تضعیف حرکت سیاسی - تشکیلاتی متحد طبقه کارگر به نفع بورژوائی و دیگر

دزد بازار آشفته می خواهد!

۱- اگر در اوایل این قرن از باور به ایجاد و بال و پر دادن به القاعده توسط امپریالیسم آمریکا بسیاری امتناع می کردند و جنگ تجاوزکارانه آمریکا در افغانستان برای انتقام گیری از اسامه بن لادن رهبر القاعده را دلیل بر بی ارتباط بودن القاعده با سازمان امنیت آمریکا ذکر می کردند، ماهیت روئیدن مثل قارچ از زمین دولت اسلامی عراق و شام - داعش - و به چنگ آوردن یک سوم خاک عراق و شاید نیمی از خاک سوریه و مجهز شدن به سلاحهای سنگین، دست یافتن به برخی از چاههای نفت عراق و سوریه و طبق برخی اظهاراتی نظیر صحبت اخیر نتانیاهو دایر بر فروش روزانه بیش از ۲ میلیون دلار نفت به کشورهای اروپایی که از طریق ترکیه صورت می گیرد و اظهاراتی نظیر اینکه داعش پول دارترین و مسلح ترین جریان بقیه در صفحه چهارم

آن چه که در کوبانی می گذرد، نمونه ای بسیار جدی و روشنی است در رابطه با مداخلات نیروهای ارتجاعی درازبین بردن حقوق دموکراتیک مردم و ملیتها در تعیین حق سرنوشت خویش و ادامه ی وضعیت آشوب و کشتار در خاورمیانه. مقاومت جانانه ی مبارزان کرد در دفاع از استقلال کردستان سوریه در مقابل نیروهای توحش دولت اسلامی عراق و شام و توطئه های چندجانبه ای که از سوی نیروهای امپریالیستی و مرتجع منطقه در جریان است، توجه عمیق به این نمونه را از جانب نیروهای کمونیست و دموکرات الزامی ساخته و آنها را وادار خواهد نمود تا در این هرج و مرج کم نظیری که در منطقه حاکم شده است عمیقتر اندیشیده و راه رهایی از فاجعه کبیر قرن بیست و یکمی در خاورمیانه را در شرایط کنونی جست و جو نمایند:

آمار قابل توجهی از کودکان خیابانی در ایران ۲۰۱۴/۰۹/۱۷

[آمارها و صحبت های مسئولان امور رسیده گی به آسیب های اجتماعی علارغم نادقتیهای شان، نشان می دهند که در کشوری که اساس کار انسانها منوط به سود دهی است، بنابراین بورژوازی حاکم تمام کوشش خود را به کار می برد تا نیروی کار ارزان هرچه فراوانتر در دسترس داشته باشد که نمونه آن در میان بزرگ سالان هستند که فاقد ابتدائی ترین حقوق کاری می باشند به عیان می بینیم. بنابراین در چنین شرایطی ساده ترین کار خوردن حق کودکان کار است. با مطالعه ی گزارش زیر می توان این حقیقت را بسیار ملموس تر دریافت - رنجبر]

حدود ۶۰ درصد کودکان خیابان ایرانی هستند که کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال ۴۵ بقیه در صفحه پنجم

ر عشه قبل از مرگ رژیم اسلامی!!

اوضاع انفجاری در سطح حاکمان با تداوم مذاکرات با گروه ۱+۵ در مورد غنی سازی اورانیوم و ساخت سلاح هسته ای و بهبود روابط با «شیطان بزرگ» آمریکا که سالها تبلیغات ضد این شیطان از هربوق و کرنای رژیم به گوش می رسید، تضاد بین جناحهای حاکم در ایران را هرچه بیشتر به حد انفجار دارد می رساند. از یک سو تداوم تحریمها و وخیم تر شدن وضعیت اقتصادی، تورم و گرانی افسارگسیخته و گسترش هرچه بیشتر اعتراضات کارگری و زحمت کشان و ترس باتوجه به وضعیتی ناامن که در خاورمیانه هم اکنون جریان می یابد و در سوریه و عراق و یمن شاهدش هستیم و هشدار است که این آتش می تواند در ایران نیز برافروخته شود، راه نزدیک

بقیه در صفحه ششم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

در مورد حزب... بقیه از صفحه اول

و ستم دیده گان، دست یابی به جهان بینی ماتریالیسم دیالکتیکی و حرکت تاریخی جوامع بشری از دوران کمون اولیه تا بوجدآمدن طبقات و نظام سرمایه داری تاکنونی جوامع بشری، عمده تا با تکیه به آموزشهای مربوط به شرکت در تولید، پراتیک مبارزه طبقاتی و دستاوردهای علمی را جمع بندی نموده و ماتریالیسم تاریخی تدوین شد، رهنمود کمونیسم علمی پراتیک فراوانی را پشت سر دارد و فقط از مغز مارکس و انگلس نتر اویده است. بدین ترتیب چه از نظر جهان بینی و چه ایده نولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی و سبک کاری گنجینه ی عظیمی از دانش اثبات شده در خدمت رهایی طبقه کارگر و ازاین طریق رهایی کل بشریت از زالوی خون خوار مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و مبادله رابه دست داد. براساس دید ماتریالیستی - دیالکتیکی پراتیک بشری خصلت تکامل یابنده داشته و لذا پراتیک معیار سنجش حقیقت هر نظریه بوده و بدون پشتوانه پراتیکی هیچ ادعا و تئوری ای قابل استناد و دفاع نمی باشد مگر آن که صحت خود را در پراتیک نشان داده باشد.

حزب سازی یکی از این جمع بندیهای علمی است که به کرات توسط آموزگاران بزرگ طبقه کارگر - مارکس، انگلس، لنین، مانو - مورد تاکید قرار گرفت و تاریخ مبارزه طبقه کارگر در جهان بارها نشان داد که وجود حزب انقلابی کمونیست وفادار به تئوری کمونیسم علمی و تلفیق آن با عمل در پیوندی فشرده با حرکت مبارزاتی طبقه کارگر و دیدگاهی انتقادی داشتن به فعالیت فرمیستی، تبدیل به رهبر واقعی طبقه کارگر شده و منافعی جز منافع طبقه کارگر نداشته و چنین حزبی طبقه کارگر را در توفانهای سهمگین مبارزه طبقاتی با بصیرت و هشیاری تمام، رهبری نموده و نه آقا بالاسر طبقه کارگر است و نه معلمی که در حد یاد دادن برخی مسائل وظایفش تمام شده و باید بعد از "درس دادن" کنار بنشیند. در حالی که حتی یک لحظه نباید حزب طبقه کارگر کمونیست از حرکت کارگران جدا مانده و به نوعی نشان دهد که بخشی آگاه، پیشرو و مبارز از طبقه کارگر نیست. براین اساس طبقه کارگر به پیروزیهای بزرگی در مبارزه طبقاتی علیه استثمارگران و ستمگران دست یافت و در هر جایی که احزاب کمونیست از تئوری علمی و انقلابی طبقه کارگر و پیوند فشرده شان با آن طبقه و انتقاد از خود

اشتباهاتشان دور ماندند، شکستها یکی بعد از دیگری نصیب این جنبشها شد که مهم ترین آنها بروز رویزیونیسم یعنی تجدیدنظر طلبی در کمونیسم علمی بود که ضربات سهمگینی بر دستاوردهای طبقه کارگر وارد ساخته است.

بنابراین حزب کمونیست تنها نقش معلم طبقه کارگر را نداشته، بلکه رهبر هم هست، به عنوان دانش آموز از طبقه کارگر هم می آموزد، جدا از طبقه کارگر نبوده و جزئی از آن است و تازمانی که طبقات و یا بقایای طبقات وجود داشته باشند، وجود آن ضرورتی است اجتناب ناپذیر در جهان طبقاتی برای مبارزه با نظراتی که هم اکنون اتاقهای فکری امپریالیستی با پخش انواع دروغها در درک حقایق توسط توده های کارگر و زحمت کش اخلال به وجود می آورند، درست مانند بدن انسان که بدون سری سالم ماندنی نیست؛

حزب کمونیست باتوجه به کیفیت علمی دیدگاههای بنیادی اش در هدایت مبارزات طبقاتی در هر کشور و در جهان یکی است و پلورالیسم تشکیلاتی اختراعی خرده بورژوائی در درون جنبش کارگری است که فاقد معیاری پراتیکی بوده و دقیقاً پیروی از سیاست "تفرقه بینداز و حکومت بکن" بورژوائی و خرده بورژوائی و حتی فئودالی می باشد!

مرکزیت - دموکراتیک نیز پیش رفته ترین سبک کاری است که از جهان بینی علمی طبقه کارگر نشات می گیرد و اگر درست اجرا نشود مثل هر پدیده علمی بد اجرا شده، فاجعه به بار می آورد و این ربطی به نادرست بودن هستی اش نمی باشد و رد این در ساختمان حزب عدول از تئوری کمونیسم علمی است و چیزی جز آستان بوسی رویزیونیسم نمی باشد؛

انتخابات شورائی شیوه انتخاباتی در سوسیالیسم است برای انتخاب تاحدممکن آگاهانه نماینده ای که باید جای انتخابات صوری و ظاهری پارلمانی اختراع شده توسط بورژوازی را بگیرد. ولی باتوجه به اخلال نظرات بورژوائی و خرده بورژوائی حتی در دوران دیکتاتوری پرولتاریا و طبق تجارب موجود در شوراهای کارگری، به هیچ عنوانی به دلیل نفوذ عناصر مخرب طبقاتی نمی توان اطمینانی علمی از رای دهی درست شوراها داشت که دقیقتر از رای حزب کمونیست باشد که در آن مبارزه ایده نولوژیک برای رسیدن به نظر درست در مورد هر پدیده به مراتب جدی تر و دقیقتر صورت می گیرد و رسیدن به خط درست

بسیار محتمل تر از رای شوراها است. بنابراین کنترل خطوط ایده نولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی، سبک کاری در درون دیکتاتوری پرولتاریا توسط حزب کمونیست اجتناب ناپذیر است؛

دموکراسی در دوران دیکتاتوری پرولتاریا دموکراسی شورائی است و اختراع دموکراسی مشارکتی التقاط است که حتی به دموکراسی که خود یعنی شرکت افراد در تعیین مسائل مربوط به خودشان، احترام نگذاشته و با آوردن مشارکت خود دموکراسی را که گوئی ضدمشارکت است زیر علامت سؤال می برد! و در هیچ جای جهان نمونه ای از این مشارکت هم وجود نداشته است که پیروزی درخشانی نصیب پرولتاریا کرده باشد و پیشنهادی صرفاً تخیلی است!؛

ادعاهائی نظیر اینکه "به جرات می توان گفت که در یک صدسال گذشته و حال حاضر از احزاب و سازمانها و گروههایی که به نام کمونیست و طبقه کارگر متشکل شده اند، بیانگر منافع طبقاتی کارگران و ارائه دهنده گان خط مشی و طرح انقلابی جای گزین نظام سرمایه داری در جهان و ایران نمی باشند" (بینا داراب زند - شهریور ۱۳۹۳ - گرایش سوسیالیسم مشارکتی در نوشته: حزبیت طبقه کارگر و چگونگی تحقق آن در نشریه تدارک حزب انقلابی) به راستی نه یک تحلیل درست عینی، بلکه یک بدبینی به شدت نفی گرای برخاسته از ایده نولوژی خرده بورژوائی می باشد که مبارزات میلیونها کارگر آگاه را تحت رهبری احزاب کمونیست صد درصد نفی نموده و شایسته یک تحلیل ماتریالیستی - دیالکتیکی نبوده و ایده آلیستی و متافیزیکی می باشد. و یا گفتن این که "ایجادبسترهای مناسب برای تجربه وسیعترین اشکال آزادی توسط همه شهروندان، ووو و با خرد کردن بیش از پیش دستگاه قدرت سیاسی و کاهش قدرت و اقتدار دولت مرکزی..." نقطه نظرات عدم درک تداوم طبقات و مبارزه طبقاتی در کشور سوسیالیستی که هنوز همانند جزیره ای در محاصره ی جهان سرمایه داری می باشند، دهن کجی به ضرورت "دیکتاتوری پرولتاریا" طی "دورانی تاریخی" برای تحقق انقلاب جهانی و گذار به مرحله ی بالای کمونیسم است که توسط آموزگاران بزرگ پرولتاریا تاکید شده و افرادی نظیر اسماعیل سپهر در نشریه "تدارک حزب انقلابی" ناشیانه دست به نفی تئوری انقلابی طبقه کارگر - آگاهانه یا ناآگاهانه - زده اند؛

و ... با این گونه نظرات بدون پشتوانه ی

وفاداری به اصول کمونیسم علمی شرط ساختمان حزب پیشرو است!



بورژوازی در کشورهای سوسیالیستی، با تقویت آنان توسط بورژوازی جهانی تحت علم رویزیونیسم کهن، مدرن، سه جهانی و انواع دیدگاههای رفرمیستی، آنارشستی، دگماتیستی، دنباله روی و غیره جدید.

با داشتن چنین وحدت نظری ما می توانیم برای تدوین برنامه و تدارک کنگره موسس حزب کمونیست ایران گام برداریم.

[باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی - گرسوی مستان می روی مستانه شو مستانه شو

تاکی دوشاخه چون رخی تا کی چو بیدق کم تکی - تاکی چو فرزین کژ روی فرزانه شو فرزانه شو

ای ناطقه بر بام و در تاکی روی درخانه بر - نطق زبان را ترک کن بی چانه شو بی چانه شو]

ک. ابراهیم

- ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴



**با قدردانی از کمهای
مالی رفقا و دوستان
به حزب ذکر این
نکته را ضروری
می دانیم که تکیه
ی حزب به اعضا
وتوده ها در پیشبرد
مبارزه طبقاتی،
روشی انقلابی و
پرولتاریائی است
در حفظ استقلال
سازمانی و جدا
نشدن از طبقه کارگر
و توده ها**

نمی توان تحت عنوان مکتب جدید و مختلف نظری با ایسم گذاری مشخص نمود. دیدگاه کمونیسم علمی دائما در حال رشد و غنی شدن در پراتیک های بشری به شرط جمع بندی دقیق آنها می باشد؛

۴- جامعه ما پس از ر فرمهای ارضی دهه ی ۱۳۴۰ تبدیل به جامعه ای سرمایه داری شد و طبقه کارگر ایران بزرگ ترین طبقه انقلابی جامعه ما را تشکیل می دهد و انقلاب سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و حکومت شورائی و ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا - انقلاب فرهنگی - از وظایف اساسی حزب کمونیست و طبقه کارگر می باشد.

۵- تحقق این دورنما از متشکل شدن طبقه کارگر در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی و به خصوص ایده ئولوژیک - سیاسی که ایجاد حزب کمونیست به مثابه میرم ترین وظیفه سازمانیابی آن است می گذرد که در دستور کار معتقدان به کمونیسم علمی قرار دارد؛

۶- کمک به سازمانیابی کلیه ی توده های زحمت کش در سطوح مختلف سیاسی و غیرسیاسی از وظایف مهم روزمره ما می باشد؛

۷- مبارزه ایده ئولوژیک با نفوذ افکار خرده بورژوازی در درون جنبش چپ و حتا جنبش کارگری، با توجه به اینکه خرده بورژوازی بعد از طبقه کارگر بزرگ ترین قشر اجتماعی ایران را تشکیل می دهد امری ضروری در تحقق انقلاب کارگری و از جمله ساختمان حزب در ایران می باشد؛

۸- باتوجه به نظرات مذهبی که در پرورش ایده آلیستی کودکان و نوجوانان و جوانان نقش مخربی دارند، جدائی کامل دین از دولت و از آموزش و پرورش، ملی کردن موقوفات از وظایف بلاواسطه ی دولت سوسیالیستی خواهد بود و پاک سازی جامعه از کلیه ی مناسبات جمعی مذهبی ضمن احترام به آزادی اعتقادات فردی انسانها؛

۹- احترام به انقلابات پرولتری و دستاوردهای آنها تا به حال در جهان صورت گرفته اند، ضمن انتقاد از کمبودها ی این انقلابات، مبارزه با نفی گرانی مطلق دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر که نشانی است آشکار از عدم درک ما از اوضاع تحقق انقلاب تنها در یک کشور- آن هم کشورهای عقب مانده - ، از نقش توده های کارگر و زحمت کش و کمونیستها در تحقق و پیشبرد امر انقلاب پرولتری. و پذیرش شکست این انقلابات ناشی از عدم تحقق انقلاب جهانی، خرابکاری خرده بورژوازی و بقایای

پراتیکی و نادیدگرفتن تداوم مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم که بدون تکیه به تئوری کمونیسم علمی برای ساختمان حزب کمونیست مطرح می شوند، باید گفت که : "این ره که تو می روی به ترکستان است!" و سر راه گذاشتن افراد صادقی که برای ایجاد حزب، صمیمانه، متعهدانه ، و با احترام به تجارب عظیم طبقه کارگر کمونیست در بیش از یک و نیم قرن گذشته، صورت نگرفته و چاله جدیدی برای تدوین رویزیونیسم دوران امپریالیسم فراملی ها در سر راه طبقه کارگر در حال ساخته شدن است. رفقای گرامی شما که دست اندر کار ایجاد کمیته سازمانده و کمیته نشریه هستید، کمیته نشریه که نظرات رفقای مختلف را در خدمت به امر ایجاد حزب منتشر می کند امری قابل قبول هست و دستتان درد نکند. ولی کمیته سازمانده که قبل از شروع سازماندهی باید وحدت نظری در مورد "اصول، نکات اساسی برنامه و تاکتیک" - لنین در "یک گام به پیش، دوگام به پس"- به وجود آید، آیا صرفا با وحدت برسر ایجاد حزب می توان دست به سازماندهی زد در حالی که وحدت ایده ئولوژیک - سیاسی بین گروهها، سازمانها و یا احزاب مایل به این حرکت به مثابه اصل کارهنوز به وجود نیامده است و اگر هر گروهی به میل خود در ایران سازماندهی کند، جز ایجاد پراکنده گی نظری که هم اکنون نیز شاهد آن در جنبش کارگری در ایران هستیم ، نتیجه دیگری به بار نخواهد آورد؟

بنابراین از شما رفقای عزیز تقاضا داریم که تاحد ممکن به طور فشرده نظرات خودتان را در مورد جهان بینی، تئوری، برنامه، سبک کار و مبارزه عملی روز به صورتی فشرده ارائه دهید تا نقاط مشترک و نقاط مورد اختلاف مان روشن شده و با بحث پیرامون اختلافات نظری باتوجه به نکات اصولی و غیراصولی، جهت رسیدن به وحدت اقداماتی صورت گیرد. براین مینا ما به طور فشرده نظرمات را در زیر ارائه می دهیم:

۱- جهان بینی ما ماتریالیسم دیالکتیک است؛
۲- ماتریالیسم تاریخی تشریح حرکت جوامع بشری از کمون اولیه تا به امروز می باشد؛
۳- کمونیسم علمی تئوری ما است که توسط مارکس و انگلس از جمله متکی بر دو اصل ۱ و ۲ تدوین شده و توسط لنین و مائو تکامل داده شده و باز هم قابلیت رشد و تکامل دارد . به این اعتبار ایسم گذاری را نادرست می دانیم چون که در یک مکتب نظری علمی رشد یابنده هر دستاورد جدید علمی را

انقلاب و پیروزی امر توده هاست تحت رهبری ستادی انقلابی!



دزد بازار آشفته .. بقیه از صفحه اول

تروریستی است و هزاران نفر از جوانان مسلمان در کشورهای اروپایی به آن پیوسته اند و از نیروی مسلح چند ده هزار نفری برخوردار می باشد، سریعاً معلوم گردید که دستنهائی ارتجاعی در جهان به پرورش آن به مثابه مترسکی جهت پیشبرد استراتژی شان در خاورمیانه این نیروی وحشی تروریستی را بوجود آورده اند: که شامل آمریکا، عربستان سعودی و برخی از شیخ نشینان جنوب خلیج فارس می باشند و با حمایت رژیم ترکیه پرورنده می شود. همه و همه ی این رخ دادها حکایت از آن دارند که نظام امپریالیستی در حال احتضار که هم اکنون دچار سخت ترین بحران مالی و اقتصادی است و مثل ویرووسی آن را به سراسر جهان سرایت داده است، و امری که نشان از رسیدن نظام سرمایه داری به آخر خط زنده گی اش می باشد، برای تداوم بخشیدن به حیات ننگین اش دست به هر نوع بربریتی می زند تا با ایجاد وحشت در میان مردمان کشورهای عقب مانده، سلطه ی خود را از جمله در خاورمیانه تداوم بخشد و اشکالات پیش آمده را صرفاً متوجه نیروهای اسلامی بکند و خود را آزادی خواه قلمداد نماید!

۲- گفته می شود (در پارلمان اتحادیه اروپا) که نفت استخراجی در منطقه تحت نفوذ داعش از طریق ترکیه به کشورهای اروپایی به قیمت نازل بین ۲۵ تا ۵۰ دلار برای هربشکه، به جای ۱۰۰ دلار در بازار جهانی به فروش می رسد و دولت ترکیه نیز از این خوان یغما بی بهره نمی ماند! و اسم دولتهائی که این نفت ارزان را می خرند حتا در سطح پارلمان اروپا مخفی نگه داشته می شود!!

خود این واقعیت نشانی است از فساد و بربریت نظام امپریالیستی و این که چه گونه از یک سو در شیورهای تبلیغاتی اش دم از دموکراسی می زند و مخالفت با تروریسم و از سوی دیگر تروریست پروری می کند و تا بدان حد بی پروایانه کار می کند که در شرایط وجود جنگ در منطقه، خونسردانه به غارت نفت و ثروت زیر زمینی مردم آن منطقه، آن هم با خریدن و کمک به جریان تروریستی داعش، می پردازد. آیا کوچک ترین نشانی از ارزشهای انسانی به رسمیت شناخته شده طی تاریخ بشریت در عبور از جهالت به تمدن در این رفتار کنونی آنان وجود دارد؟ آیا برای دولت ترکیه جلوگیری از فروش این نفت ممکن نیست؟

۳- گرچه کوس رسوائی تجاوزات و لشکر کشیهای امپریالیستی به خاورمیانه تا

بدان جا بر سر هرکوی و برزنی در جهان نواخته شده و امپریالیسم به نفس نفس افتاده ی هار آمریکا را به حدی از ضعف رسانده که به علاوه به دلیل تضاد با روسیه در سه سال گذشته نتوانسته است نیرو به سوریه جهت سرنگون سازی رژیم بشار اسد بفرستد، و "بهار عربی" را در سوریه به سود خود تداوم بخشد. دولت آمریکا امروز به بهانه ی "مبارزه" علیه نیروهای داعش و بمباران هوائی آن، تدریجاً راه ورود به جنگ در سوریه را یافته و در این ماجرا کوشیده است تا جبهه ای نسبتاً جهانی از انگلستان و فرانسه گرفته تا استرالیا و کانادا و بلژیک و غیره را در این بمبارانها با خود متحد کند، امری که صرفنظر از غیرقانونی بودنش از نظر قوانین سازمان ملل متحد گرچه بنابه اقرار فرماندهان نظامی آمریکا قادر به از بین بردن نیروهای داعش نخواهند شد، ولی نکته مهم در آن حرکتی است برای کشاندن هرچه بیشتر کشورهای امپریالیستی به تجاوز مشترک در خاورمیانه برای پیش بردن سیاست به زانو در آوردن رژیم بشار اسد و آوردن کامل خاورمیانه به زیر نفوذ خود از یک سو و اعلام به جهانیان که ما هرگونه حرکتی که در هر کشوری روی دهد مشترکاً می توانیم سرکوب کنیم!

۴- در این میان جنگ داعشها در منطقه کوبانی در کردستان سوریه تمرکز یافته است: هم به دلیل استراتژیکی بودن آن منطقه و منبع نفت و گاز اش، هم به خاطر درهم شکستن مقاومت مردم منطقه که برای دفاع از حق تعیین سرنوشت خویش، دولت خود را در کردستان سوریه دو سال پیش تشکیل دادند و هم به دلیل مخالفت دولت ارتجاعی ترکیه که می خواهد خطر مشابهی را در کردستان ترکیه از سر خود رفع کند.

ولی مقاومت جانانه ی مردم و به ویژه شرکت زنان در دفاع مسلحانه از کوبانی در برابر حملات داعشها، صحنه های مبارزاتی امید بخشی به وجود آورده به طوری که غریب حسو نماینده حزب اتحاد دموکراتیک در سلیمانیه طی مصاحبه ای با رادیو زمانه بیان داشت که "نقش زنان در انقلاب روز آوا، سمبل انقلاب در خاورمیانه خواهد بود." و یا گفته شد که "جنگ در کوبانی همانند جنگ جهانی دوم در استالین گراد می تواند شروع رهائی خاورمیانه گردد." ولی این گونه اغراق گوئیها به هشیاری مردم به ویژه در کردستان سوریه ضرر می زند. گرچه همدردی و پشتیبانی از مقاومت جانانه ی مردم کوبانی در برابر داعشهای ضدانقلابی و ارتجاعی توسط بسیاری از

نیروهای دموکراتیک و آزادی خواه و چپ جهان در جریان است، ولی در شرایطی که خود نیروهای کرد از کیفیتی معادل کیفیت ارتش سرخ شوروی و رهبری کمونیستها برخوردار نیستند، و در حالی که این همدردیها تنها در ابعاد بسیار کوچکی از کمک مادی برخی نیروها و از جمله شرکت رزمندگان حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ترکیه/ کردستان شمالی برخوردار است، اما مبارزه دلیرانه ی مردم در کوبانی بیشتر شبیه مقاومت و مبارزه جمهوریخواهان اسپانیا علیه نیروهای فاشیست به رهبری فرانکو می باشد، که امکانات لازم از نظر نفرا و تجهیزات و فرماندهی به گونه ای که در استالین گراد تحت رهبری کمونیستها و ارتش سرخ پیش برده شد، فراهم نشده، کمک رسانی خارجی نیز بسیار اندک است و در نتیجه احتمال بروز فاجعه مشابه آن چه که در اسپانیا در دهه ی ۱۹۳۰ گذشت و جای فاشیستهای مسیحی را اکنون فاشیستهای اسلامی گرفته اند، نمی توان نادیده گرفت. و یا این که با عقب راندن نیروهای داعش، شکستی نهائی آن طور که در استالین گراد بر ارتش متجاوز هیتلری وارد آمد، به این نیرو وارد نشود.

۵- این وضعیت به خصوص برای احزاب و تشکلهای کمونیست و جنبش کارگری هشدار می دهد که پیش بردن امر انقلاب بیش از پیش نه تنها نیاز به وحدت کمونیستها در یک حزب در هر کشور در قرار گرفتن در راس جنبشهای کارگری و یا رهائی بخش دارد، بلکه به کمک تشکلهای کمونیست و جنبش کارگری در دیگر کشورهای هم جوار و زیر پرچم تئوریک کمونیستی نیاز مبرم داشته و بعضاً استراتژی و تاکتیکهای واحدی را طلب می کند که کلیه ی این تشکلهای باید مشترکاً آنها را پیش ببرند. در این کارزار بزرگ رهائی بخش ایجاد جبهه ای متحد با نیروهای دموکرات ضد امپریالیست و آزادی خواه می تواند در خدمت تحقق انقلابات پرولتاریائی در منطقه قرار بگیرد.

اما ملاحظه ی وضعیت آشفته در جنبش کمونیستی و کارگری در خاورمیانه، فقدان احزاب کمونیست قوی و با اتوریته در هر کشور، فقدان جنبش کارگری متشکل و قوی در این منطقه و رایج بودن گروهی گری خرده بورژوائی که چیزی جز نفی دستاوردهای طبقه کارگر در لافافه "کارگر خواهی، دموکراسی، فراموش کردن تحلیل مادی و منطقی مشکلاتی که پیش روی انقلابات کارگری قرار داشتند" نیاموخته و بر این اساس دستاوردهای

ادامه انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر شرط رهائی زحمت کشان کرد است!



آمار قابل توجه... بقیه از صفحه اول

تئوریک طبقه کارگر و توانائی و لیاقت آن در ایجاد تحرک در کشورهای عقب افتاده ای که توانستند در برابر امپریالیسم قد علم کنند و به پیروزیهای درخشانی دست یابند را نفی می کنند! اما این نیروهای چپ امروزی، تبدیل به خرسی شده اند که با اعلام دوستی با جنبش کارگری و کمونیستی چنان سنگهایی به مغز این جنبشها برای پراندن مگسهای اذیت کن ضد تشکیلات می کوبند که در دل مراکز فرماندهی امپریالیستی قند را آب می کنند.

۶- اگر بورژوازی و خرده بورژوازی کشورهای سوسیالیستی با کمک گرفتن از کشورهای امپریالیستی توانستند در بسیاری از این کشورها مراکز قدرت را از دست طبقه کارگر در آورده و با تکیه به رویونیسم مدرن ماهیت این دولتهای کارگری را در بیش از ۶۰ سال پیش عوض کنند، امروز آنها فرا گرفته اند که با دامن زدن به گروهیگری و نفی گرائی دستاوردهای طبقه کارگر، مانع از وحدت نیروهای چپ معتقد به کمونیسم شده و بدین ترتیب در بازار آشفته ای که چه در سطح عملیاتی در کشورها و چه در سطح تشکیلاتی در درون جنبش چپ به وجود آورده اند، نگذارند رهبری واحدی تشکیل شود و یا اگر ببینند که تشکیل آن به ضرورتی جدی تبدیل شده است، باز هم تشکل جدید را از اصول اثبات شده ی کمونیسم علمی دور نموده و بدین ترتیب از ابتدا تشکلی معیوب به وجود آید که قادر به پیشروی تندر واری نظیر حزب بلشویک و حزب کمونیست چین نگردند. لذا وحدت کمونیستها باتکیه به تئوری و پراتیک کمونیسم علمی و آموختن از شکستها و امتناع از بدبینی های خرده بورژوائی کلیدی هستند برای پیدا کردن ابتکار عمل در بازار آشفته کنونی خاورمیانه و پیشبردن گام به گام استوار مبارزات جنبش کارگری.

طبقه کارگر بنابر مناسباتی که با تولید دارد صاحب غریزه و درک و شعوری می شود که مادی است و برخلاف روشنفکران خرده بورژوا حاضر نیست به راحتی آب خوردن دستاوردهای همزمان کارگر خود را در گذشته از بیخ و بُن نفی کند و دیر یا زود این توطئه ی ضد کمونیستی و ضد کارگری را دریافته و از دستاوردهای رفیقان گذشته اش آموخته و در شرایط جدید آنها را تکامل خواهد داد و از اشتباهات گذشته خواهد آموخت. به امید آن روز.

تفسیر روز - ۱۵ مهر ماه ۱۳۹۳

مدرسه نرفته اند. وی یادآور شد: بیشتر کودکان کار به کارهای متعارف به ویژه دستفروشی و باربری مشغولند که بر اساس قوانین تجارب جهانی بر اهمیت نقش برنامه های کمک مالی نقدی و غیر نقدی در ایجاد حداقل حمایت های اجتماعی در کاهش کار کودک تاکید می شود. کردونی مسئول در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تصریح کرد: بر اساس اعلام سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۲، ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از کودکان کار و خیابان در خاورمیانه و شمال آفریقا زندگی می کنند بنابراین ادعای وجود ۷ میلیون کودک کار در ایران فاقد اعتبار است زیرا طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ شاغلان ۱۰ تا ۱۹ سال در ایران ۷۶۵ هزار نفر در کشور است. وی یادآور شد: در حوزه اشتغال و کار کودک بیشتر مناطق شهری مدنظر است، شاغلان شهری در سال ۱۳۹۰ بین ۱۰ تا ۱۴ سال ۲۳ هزار و ۶۱۹ نفر بودند و شاغلان ۱۰ تا ۱۴ سال روستایی ۴۴ هزار و ۲۶ نفر بودند از سویی شاغلان ۱۵ تا ۱۹ سال شهری ۳۲۰ هزار نفر و شاغلان ۱۵ تا ۱۹ روستایی ۳۷۰ هزار نفر بودند.

کودکان کار قهرمان نمی خواهند

مدیرکل دفتر امور آسیب های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تشکیل شورای ساماندهی کودکان خیابانی بعد از ۸ سال تعطیلی اشاره و بیان کرد: شورایی که ۱۱ دستگاه عضو آن هستند و باید سیاست های کلان را در کشور اجرا کنند در همین چارچوب اتاق فکر کودکان کار و خیابان با حضور سازمان های مردم نهاد تشکیل شد و اخیرا نیز نمایندگان ۵۰ تا ۶۰ سازمان مردم نهاد با وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیدار و گفت و گو کردند. کردونی از آغاز فعالیت شورای ساماندهی کودکان کار و خیابان در استان های البرز و گلستان خبر داد و گفت: به زودی در تمام استان های کشور نیز این شورا تشکیل و فعالیت خواهد کرد.

کردونی مسئله بهداشت کودکان کار و خیابان را موضوع بسیار مهمی دانست و افزود: اخیرا وزیر بهداشت اعلام کرده که بیمارستان های مشخصی را به کودکان کار و خیابان اختصاص خواهد داد تا درمان و بهداشت این کودکان به سهولت انجام شود.

متولی اصلی کودکان کار کیست؟

مدیرکل دفتر امور آسیب های اجتماعی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی تاکید کرد: در آن آیین نامه وظایف هر دستگاه بصورت شفاف و واضح مشخص

درصد کل کودکان خیابانی را شامل می شوند، همچنین ۳۴ درصد از کودکان خیابانی در حال تحصیل هستند، ۴۰ درصد ترک تحصیل کردند و ۲۴ درصد از بچه ها اصلا به مدرسه نرفته اند.

به گزارش ایسنا، روزبه کردونی مدیرکل دفتر امور آسیب های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت و گو با آنها، گفت: مطالعات نشان می دهد در تهران پدیده «کودکان در خیابان» را داریم که به معنی بازگشت کودکان کار به خانه است.

وی دلیل ارائه آمار متفاوت سازمان ها از وجود کودکان کار و خیابان را وجود تعاریف متعدد در این باره دانست و اظهار کرد: پدیده کودکان کار و خیابان در قالب ۴ تعریف متفاوت معرفی می شود که

۱- کودک در اشتغال (به معنای اشتغال کودکی است که در بازار کسب و کار حضور دارد و دستمزد بگیرد پاره وقت یا تمام وقت قانونی یا غیر قانونی) ...

۲- کار کودک (یعنی استخدام کودک به طوری که توانایی حضور در مدرسه را به طور منظم نداشته باشد و از لحاظ جسمی و روحی و اجتماعی برای کودک مضر باشد، با این تعریف اولین اصل برای کودک کار عدم حضور در مدرسه است)

۳- کودکان خیابانی (که آنهم به دو دسته تقسیم می شود کودکانی که در خیابان زندگی می کنند و می خوابند)

۴- کودکان در خیابان (به معنای کودکانی که در خیابان کار می کنند و شب به محیط خانه و خانواده باز می گردند)

کردونی وجود کودکان در خیابان را معضل کنونی تهران دانست و یادآور شد: مطالعات ما نشان می دهد در تهران بیشتر پدیده «کودکان در خیابان» را داریم که پس از کار روزانه در خیابان شب به منزل باز می گردند. ۴۰ درصد کودکان خیابان، خارجی هستند

مدیرکل دفتر امور آسیب های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اظهار کرد: بر اساس تحقیقات به عمل آمده از سوی برخی محققان کشور پیرامون کودکان خیابانی در شهر تهران مشخص شده، حدود ۶۰ درصد کودکان خیابان ایرانی هستند که کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال ۴۵ درصد کل کودکان خیابانی را شامل می شوند، همچنین ۳۴ درصد از کودکان خیابانی در حال تحصیل هستند، ۴۰ درصد ترک تحصیل کردند و ۲۴ درصد از بچه ها اصلا به



از مقاومت و پایداری زنان و مردان کوبانی و تجربه آنان بیاموزیم!



شده است و زمانی که هیات دولت ۱۱ دستگاه را مسئول رسیدگی به این کودکان کرده است بدین معنی است که این ارگان ها در این حوزه مسئولیت دارند زیرا حوزه آسیب‌های اجتماعی حوزه هایی نیستند که یک دستگاه به تنهایی توانایی مرتفع کردن مسائل و مشکلات آن را داشته باشد و ماهیت این حوزه به صورتی است که باید دستگاه‌های مختلف البتة با هماهنگی درگیر موضوع باشند.

کردنی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به‌عنوان یک دستگاه هماهنگ کننده بین این ۱۱ دستگاه معرفی کرد و گفت: در این مدت ۷ ماه تلاش کرده‌ایم در این چارچوب فعالیت کنیم و با تشکیل جلسات مختلف دستگاه‌های متولی را نسبت به وظایف خود و سایر ارگان‌ها آشنا کنیم.

وی تاکید کرد: حوزه آسیب‌های اجتماعی حوزه از بین بردن و حذف کردن نیست و نمی‌توان پدیده کودکان کار را به کلی از بین برد زیرا حتی برزیل نیز پس از ۱۰ سال کار موفق توانست تنها ۱۰ درصد از میزان کودکان کار را کاهش دهد، بنابراین باید به سمت کنترل و کاهش کودکان کار و خیابان و به طور کلی آسیب‌های اجتماعی پیش رویم. این ضد و نقیض گوییها و یکی به نعل و یکی به میخ زدن درد کودکان خیابان را که اساسا به علت فقر و کمک به نیاز خانواده های مستمند صورت می‌گیرد حل نخواهند کرد. تنها راه رهائی کودکان خیابانی سرنگون کردن رژیمی است که آمار دزدیهای که صورت می‌دهد از میلیون و میلیارد گذشته و نشانی است از یک غارت افسارگسیخته ی ثروتی که کارگران و زحمت کشان ایران با جان دانهای زیاد تهیه می‌کنند و دزدان سرگردنه اسلامی و غیراسلامی این ثروتها را غارت کرده و شکاف عظیمی بین فقر و ثروت را در سرتاسر ایران بوجود آورده اند!

رعشه قبل از مرگ... بقیه از صفحه اول

شدن به شیطان بزرگ و قبول بسیاری از خواستههای آن را در جلو میز حاکمان ایران قرار داده است. ولی گسترش تدریجی روابط ایران با آمریکا صدای جناحهای افراطی رژیم را در انتخاب حسن روحانی و دفاع خامنه ای از مذاکرات اتمی دولت حسن روحانی و در عین حال غر زدنهای برای این که وی نشان دهد که با تمامی نتایج مذاکرات موافق نیست تا جناحهای تندرو را ساکت نگه دارد و بالاخره وضع سلامتی نا متعین خامنه ای، این روزها آرام آرام جریان می‌یابند و تاحدی نشان دهنده ی سردرگمی حاکمان و به نسبت آن برقراری خیمه شب بازیها می باشد.

از سوی دیگر ایستادن در برابر اعتراضات توده های مردم و چه گونه گی برخورد به آنان به طور دوجانبه ای پیش برده می شود: از یک سو تشدید اعدامهای پی در پی، هراس رژیم را از اوج گیری این اعتراضات نشان می دهد که از ابتدای برقراری نظام جمهوری اسلامی اعدامها و سرکوبها پایه اصلی تداوم رژیم بوده و کنار گذاشتن آن به معنای پایان نفس کشیدن اینان خواهد شد. از سوی دیگر در عین حال این رفتارهای فاشیستی را برخی از حاکمان برای پیشبرد حاکمیت شان نا مناسب تشخیص داده و معتقد به کشیدن تاحدممکن ترمز سرکوب در برخورد به مردم و ترک برخی روشهای گذشته شان را تنها راه نجاتشان می دانند به حدی که انجام روشهای گذشته را حتا مضر به اعتقادات اسلامی شان ارزیابی می کنند. نمونه ی زیر گواهی است بر این مدعا:

« معاون روحانی در واکنش به گشت موتوری انصار حزب‌الله:

دبیر کل انصار حزب‌الله بداند ترک تازی‌های دهه ۷۰ به پایان رسیده است

مشاور فرهنگی رئیس جمهور نسبت به گشت ارشاد موتوری گروه انصار حزب‌الله واکنش نشان داد.

حسام‌الدین آشنا در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، در خصوص گشت ارشاد موتوری گروه انصار حزب‌الله گفت: آقای عبدالحمید محتشم (دبیر کل انصار حزب‌الله) خوب است به یاد داشته باشد دوران ترک تازی‌های دهه ۷۰ به پایان رسیده است.

وی ادامه داد: نه نیروی انتظامی و نه ارشاد و نه قوه قضائیه و نه وزارت کشور و نه حتی بسیج هیچ‌کدام از موتورسوارهای ایشان استقبال نخواهند کرد به خصوص اینکه اگر کلاه ایمنی به سر نداشته باشند.

لازم به ذکر است که ۲۳ شهریور ماه امسال انصار حزب الله به طور رسمی اعلام کرد که با چهار هزار نیرو برای مبارزه با بدحجابی و فساد به سطح شهر می‌آید و نیروهای موجود برای پوشش کامل این فریضه سه هزار زن و بقیه مرد هستند. درحالی که در همان موقع وزارت کشور اعلام کرد هرگونه فعالیت دسته جمعی از جمله گشت‌های امر به معروف و نهی از منکر انصار حزب الله باید با مجوز وزارت ارشاد صورت گیرد. دبیر کل انصار حزب الله با صدور بیانیه‌ای با یادآوری اصل هشتم قانون اساسی تذکر لسانی را بلامانع دانست و کارشان را فریضه‌ای دانست که به هیچ قانونی مربوط نیست.

ستاد اجرائی انصار حزب‌الله روز چهارشنبه نیز در بیانیه‌ای با بیان اینکه گروه‌های امر به معروف و ناهی از منکر سیار نه ضابط قضائی هستند و نه مامور به بگیر و ببند که نیاز به کسب اجازه از کسی داشته باشند. آنان جمعی دغدغه‌مند هستند که در این وانفسای لجام گسیختگی فساد و فحشا در معابر برای اقامه فریضه واجب الهی قیام کرده اند و هزینه آن را نیز به جان خریده اند که تاریخ همین چند ساله شاهد محکمی بر مظلومیت و صلابت آمران به معروف و ناهیان از منکر است، با اعلام شماره‌ای به منظور تکمیل و گسترش گروه‌های سیار امر به معروف و نهی از منکر از آقایان و بانوان درخواست کرد به عضویت این ساماندهی دربیایند. همچنین روح‌الله جمعه‌ای رییس مرکز اطلاع رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور در گفت‌وگویی که با ایلنا روز چهارشنبه داشت، تاکید کرد: هنوز بر مواضع خودمان و حرف‌های وزیر کشور مبنی بر اینکه هر حرکت دسته جمعی نیاز به مجوز دارد، هستیم. محمدباقر نوبخت نیز روز چهارشنبه در پاسخ به سوال ایلنا در این خصوص با تاکید بر اینکه نباید فکر کنیم که از روش‌های غیرفرهنگی و خشن در این خصوص نمی‌توان به نتیجه رسید، تصریح شد: گاهی برخی بر اساس احساس مسئولیت و یا اعتقادات خود از این روش‌ها استفاده می‌کنند در حالی که آنها باید بدانند در سال‌های گذشته نیز این روش‌ها نه تنها موثر نبوده بلکه در پاره‌ای از موارد پدیده بدحجابی را تشدید هم کرده است. البتة ما نباید پدیده بدحجابی را نسبت گذشته تشدید یافته بدانیم و با روش‌های غیرقانونی با آن برخورد کنیم. سخنگوی دولت اضافه کرد: تاکید دولت در این خصوص بر این خواهد بود که نباید احساس کنیم که پدیده‌ای که سال‌ها





در کشور ما وجود داشته امروز به پدیده حادی تبدیل شده و باید با آن به شکل فیزیکی برخورد کنیم و صراحتاً هم اعلام کنیم که هزینه آن را می‌دهیم. مسلم است که این هزینه به پای آنها نوشته نخواهد شد بلکه هزینه این اقدامات را اسلام می‌دهد. «۱۳۹۳/۶/۲۸»

دوام چنین وضعیت دوگانه ایده نولوژیک با توجه به افراط گرائیهای موجود و با توجه به سیاستهای مداخله گرایانه جهانی در منطقه نمی تواند دوام چندانی بیابد، به همین دلیل پیشروان طبقه کارگر ایران باید هشیارانه اوضاع را زیر نظر داشته و با اتخاذ سیاستهای درست متحدکننده صف مبارزاتی طبقه کارگر، همانند انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به گوشت دم توپ جناحهای مختلف بورژوازی و خرده بورژوازی تبدیل نشوند. قدرت گیری ایده نولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی متحد و یک پارچه ی جنبش کمونیستی و طبقه کارگر به ضرورتی مبرم تبدیل شده و اقدامات هرچه زودتر و هشیارانه تر در این مورد باعث خواهد شد تا فردا روز در صورت بروز فتنه در ایران، طبقه کارگر با متانت و قاطعیت رهبری جنبش انقلابی توده های مردم را به دست با کفایت خویش گرفته و غافلگیر نشده و انقلاب ایران را استوارانه به سوی پیروزی هدایت نماید.

ناظر- ۷ اکتبر ۲۰۱۴



پارلمانتاریسم افیون دوم تحمیق توده ها!

نگرانی ای که در اروپا در قشر روشن فکری بیشتر این روزها خود را نشان می دهد رشد احزاب دست راستی متمایل به فاشیسم است که تمامی کاسه کوزه های مشکلات عدیده اجتماعی را سر پذیرش پناهنده گان خارجی می ریزند و حل بحران اقتصادی بزرگ کنونی را در ضدیت با خارجیان مقیم کشورهای خودی دانسته و این خواست را به پلاتفرمی در جلب رای دهنده گان در انتخابات پارلمانی تبدیل کرده و با پراکندن دود این افیونی که در صورت به دست آوردن اکثریت در انتخابات جلو پذیرش پناهنده ها را گرفته و قوانینی از پارلمانها خواهند گذراند که در صورت کوچک ترین خطائی از جانب پناهنده گان آنها را از کشور اخراج کنند! عکاس جوان

سوئدی که وضعیت پناهنده گان سوریه را از نزدیک مشاهده کرده بود در جواب به سؤال خبرنگاری که پرسید: ارزبایی تان از نتایج انتخابات سوئد چیست؟ گفت: این نتایج به شدت در برخورد به مسئله پناهنده قبول کردن، تاسف آور و غمناک است.

برای آن بخش از ساکنان هر جامعه و به ویژه کمونیستها مثل روز روشن است که رشد احزاب دست راستی، رشد میلیتاریسم، رشد خارجی ستیزی ناشی از گرفتار شدن نظام سرمایه داری امپریالیسم فراملی ها در عمیق ترین بحران مالی و اقتصادی است که دولتهای اروپائی و غیره را وادار به پس گرفتن قوانین رفاهی بعد از جنگ جهانی دوم، فقیر تر شدن هر چه بیشتر توده های مردم کارگر و زحمت کش و افزوده شدن بر تعداد میلیاردرها و بدین ترتیب افزایش شکاف عمیق و وسیع بین فقرو ثروت و نهایتاً توسل به زور و قدرت سرکوب منجر شده و بدین ترتیب می خواهند به مردم هشدار دهند که اگر در برابر سیاستهای نظام حاکم سرفروندیاورند، احزاب و دسته جات فاشیستی آماده و رشديافته برای سرکوب آنان می باشند و بدین ترتیب لولوخورخوره ی احزاب دست راستی پیروان مخفی نازیسم و راه یافتن آنان به پارلمانها نشانی است بر این واقعیت تلخ نظام سرمایه داری کنونی. طی بیش از ۲۰۰ سال حاکمیت سرمایه داری و به راه انداختن نظام انتخابات پارلمانی که با استفاده از پارلمان و ادعای اینکه نماینده گان مردم در این پارلمانها تصمیم به نفع مردم می گیرند، ارتجاعی ترین تصمیمات به ضرر مردم نظیر کشتار آنها به دفاع از استعمارگری به قیمت کشتار میلیونها مردم در کشورهای عقب مانده، کشتار آنها به دو جنگ امپریالیستی جهانی اول و دوم و کشته و معلول ساختن صدها میلیون مردم جهان و ویران ساختن بخشهای بزرگی از ساختمانهای مسکونی، مدارس، کارخانه ها نشان داده شده و این پارلمانها نه برای دفاع از حقوق مردم و تصویب قوانینی برای بهبود زنده گی آنان، بلکه برای حفظ سلطه ی سرمایه داران در این کشورها تماماً حاضر به خدمت می باشند. اما حاکمان سرمایه توانسته اند با ادعای تحقق دموکراسی از طریق پارلمان مردم را باین ماده مخدر ذهنی تابه حال فریب بدهند!

اما برای دموکراتیک جلوه دادن پارلمانتاریسم تعدادی احزاب بورژوازی که هیچ اختلافی اصولی باهم ندارند توسط سرمایه داران برای تجزیه مردم و ایجاد افکارواهی در آنها در مورد دموکراسی درست شده اند که با

طرح خواستهای شان در انتخابات هر چندسال یک بار که عمده تا نیز در حد بازی با درصد بالا یا پائین بردن مالیاتها و میزان مصرف بودجه ها خلاصه می شوند، مردم را دعوت به رای دهی به این یا آن حزب نموده و چنین توهمی در میان توده ها به وجود آورده اند که گویا این نماینده گان در خدمت آنان در پارلمانها کاری کنند.

از حیلہ های دیگر در این خیمه شب بازی انتخابات پارلمانی وجود احزابی «چپ» نظیر سوسیال دموکراتها و رویونیستها هستند که اینان نیز با قبول مناسبات استثماری نظام سرمایه داری برای جلوگیری از رادیکال شدن توده های کارگر و زحمت کش ناراضی، اینان را به سوی خود می کشانند و بدین ترتیب این اطمینان در حاکمان نظامهای سرمایه داری به وجود می آید که با این ترفند هرگونه خطر از بلند شدن مردم پراکنده شده توسط احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی علیه این نظامها و سرنگون سازی آنان را گرفته و می توانند به حاکمیت خود تداوم بخشند.

ولی به همان ترتیب که هم اکنون بحران اقتصادی در تمامی اعضای اجتماع و از جمله در بخش سیاسی، تشکیلاتی و اجتماعی اش نفوذ یافته و در همه جا ماشین انجام دهی کارها با دست اندازهای جدی رو به رو شده، بحران در پارلمان نیز خود را به عیان نشان می دهد. در این مورد می توان به انتخابات پارلمانی اخیر در سوئد رجوع کرده و اتفاقات را در آن قدری بررسی کرد:

۱- جمعیت سوئد حدود ۹.۶ میلیون نفر است و کسانی که حق رای دارند ۷۳۳۰۴۳۱ نفر می باشند. تعداد ۶۱۰۸۲۹۲ نفر در رای گیری شرکت کردند و از این تعداد ۳۱۰۱۷۴ رای به علت سفید بودن (۱۸۸۷۵ رای) و ۲۴۱۲۹۹ رای مربوط به (حزب کمونیست و ابتکار فمینیستی) به دلیل پائین بودن از ۴٪ کل آراء صاحب حق رای، به انتخاب نماینده فائق نیامدند.

بدین ترتیب رای ۵۷۹۸۲۱۸ نفر در انتخاب نماینده گان تأثیر داشت که ۷۹٪ کل صاحبان حق رای می باشند.

۲- از ۸ حزبی که با آوردن آرای بالاتر از ۴٪ به پارلمان راه یافتند، حزب سوسیال دموکرات با ۳۱٪ آراء به عنوان حزبی که بالاترین رای را آورده بود، مسئول تشکیل دولت شد.

به جز حزب محیط زیست با ۸.۶٪ آراء و جمعا دوحزب ۳۸٪ آراء که هم اکنون مشغول تعیین وزراء و در عین حال مشغول مذاکره با احزاب دیگر برای جلب آنها

انتخابات پارلمانی افیون دیگر توده ها است!



به تصویب پیشنهادشان هستند، عملاً دولت را تشکیل خواهند داد. این رقم ۳۱٪ کل صاحبان حق رای مسئولیتهای این مملکت را به دست می گیرند! امری که نشان می دهد دولت نماینده اکثریت حداقل ۵۱٪ مردم سوئد هم نیست و در نتیجه نه تنها در سوئد بلکه در کل کشورهای سرمایه داری مبتنی بر انتخابات پارلمانی دولت جز نماینده اقلیت که در نهایت نیز اقلیتی نظیر کمتر از یک سوم صاحبان رای در سوئد در خدمت حفظ نظام سرمایه دار نیست - چون که در خدمت این نظام و احترام با مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و استثمار انسان از انسان قرار دارد.

۳- بزرگ ترین حادثه و یا تکانی که در این انتخابات به کل این دموکراسی بازی وارد شد، رای های مربوط به حزب دموکراتهای سوئد می شود. این حزب که عمر کوتاه کمتر از ۱۵ سال را دارد و برنامه اش اساساً ضد پناهنده پذیری است با آوردن ۹.۱۲٪ از آراء تبدیل به سومین حزب بزرگ کشور گردید و دلایل زیادی در داشتن دیدگاه فاشیستی اعضای این حزب وجود دارد که فعلاً با مخفی کردن آن تا حد ممکن، دارند در زنده گی سیاسی این «دموکرات ترین» کشور جهان نرم نرمک حضور یافته و عرض اندام می کنند. امری که نشان می دهد هم درک مردم در این کشور تابان حدپائین است که به چنین حزبی رای می دهند و ثانیاً دموکراسی پارلمانی در خدمت تأمین دموکراسی برای اکثریت مردم کارگر و زحمت کش نیست و در حالی که در این کشور حزبی به عنوان کمونیست بودن - همان طور که در بالادیدیم - رای ناچیزی به دست می آورد ولی ناگهان حزبی تحت عنوان ارتجاعی ترین نظرات فاشیستی در صحنه ی سیاسی کشور ظاهر شده و تبدیل به سومین حزب بزرگ می شوند که صدای احسنت احزاب دست راستی و از جمله در فرانسه را برمی انگیزاند!!

۴- تشکیل دولت توسط اقلیت ۳۸٪ آراء و در واقع ۳۱٪ کل آراء صاحبان حق رای دهی و تلاش نماینده گان مدافع این دولت در مجلس برای تصویب تصمیمات، این مجلس را به چهارشنبه بازاری تبدیل می کنند که اینان در درون مجلس با چانه زنی با بقیه که در کسوت اپوزیسیون هستند و احتمالاً دادن آوانسهای به آنان، از احزاب اپوزیسیون و یا نماینده گانی از آنان را برای دادن رای متقاعدکنند و به دیگر سخن مجلس نه میدان سرکش دفاع از دموکراسی انسانهای متعهد، بلکه میدان خرید و فروش

رای ها می گردد و وقتی که در پیش رفته ترین دموکراسی بورژوائی وضع بدین گونه است و از دموکراسی اسکلت مرده ای باقی مانده است، باید مطمئن بود که در کشورهای جهان سومی و از جمله همان طور که در ایران شاهد آن هستیم انتخابات مجلس از هیچ گونه وجاهتی دموکراتیک برخوردار نیست. ۵- در اینجا است که بحران پارلمانی نیز راه حلی نداشته و جهان متکی بر عدالت بی صبرانه در جست و جوی ویران کردن این نظام خون و جنایت سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم است که در آن انتخابات پارلمانی را به زیاله دانی تاریخ ریخته و انتخابات نوع شورائی را که در آن نه تنها رای دهنده گان، فرد مورد انتخاب خود را دقیقاً می شناسند و بالاتر از آن حق عزل وی را هر زمان که احساس کنند از نظرات حوزه انتخابی اش نماینده گی نمی کند، داشته و بدین ترتیب رای دهنده گان در تمامی دوران انتخاباتی در امور سیاسی کشور شرکت دارند و وضعیت یک روز در هر ۴ یا ۵ سال انتخابات پارلمانی را برای همیشه کنار می گذارند. زمان پاک سازی جوامع بشری از ریا و حقه بازی نظامهای طبقاتی متکی بر استثمار و ستم فرارسیده است و ماده مخدر «انتخابات پارلمانی» را مردم جهان تحت رهبری طبقه کارگر باید بدور بریزند!

ک. ابراهیم - سپتامبر ۲۰۱۴



معضلاتی که جهانی هستند!

ایالات متحده آمریکا خالق ویروس ابولا به عنوان سلاح بیولوژیکی است؟

۱۱ اوت ۲۰۱۴، پراودا

این بیماری همه گیر و مسری از ویروس کشنده ابولا است که در اعماق جنگل به دنیا آمده است، به تازگی با سرعت بی سابقه ای در سراسر جهان در حال گسترش است. تعداد قربانیان با توجه به آمار رسمی، هم اکنون به بیش از یک هزار نفر رسیده است (البته این آمار متعلق به دو ماه قبل می باشد، در روز ۲۴ سپتامبر امسال، ایالات متحده پیش بینی کرد که تا پایان ماه ژانویه یک میلیون و چهارصد هزار نفر به این مرض مبتلا خواهند شد، برآورد جدید توسط مراکز ایالات متحده برای کنترل و پیشگیری

بیماری. آمار رسمی سازمان بهداشت جهانی برای شیوع بیماری بیش از ۵۸۰۰ نفر آلوده و بیش از ۲۸۰۰ نفر مرده می باشد. اگر چه منبع خبری هو در روز سه شنبه گفت که «تعداد واقعی موارد و مرگ و میر قطعاً بالا تر است» [در نیمه دوم ماه اکتبر تعداد کشته شده ها را حدود ۵۰۰۰ نفر ذکر کردند. رنجبر]، و اینکه تعداد موارد می تواند به چهار برابر یعنی به بیش از ۲۰۰۰۰ نفر تا اوایل نوامبر برسد. به نقل از وب سایت آر تی. هو (یک منبع خبری) اعلام کرد که تهدید این مرض اهمیت جهانی دارد. آیا راه هائی برای مبارزه با این تب وجود دارد؟

به نظر می رسد که یک واکسن بر ضد ابولا وجود دارد. دانشمندان پنتاگون ۳۰ سال است که آنرا توسعه می دهند، و تمام این حقوق برای این دارو به دولت ایالات متحده تعلق دارد. دو نفر از پزشکان آمریکائی آلوده به این ویروس، پس از تزریق این واکسن فوراً وارد مرحله بهبودی از این مرض شدند.

چرا این مرض تنها اکنون عمومی شده است؟ چرا ایالات متحده است که تمام حقوق را برای استفاده از این واکس نگه می دارد؟ اینجا می تواند دو پاسخ بسیار واضح به این پرسش ها وجود داشته باشد.

هم چنان که یک نفر می تواند مشاهده کند، ابولا یک سلاح کامل بیولوژیکی است: به سرعت گسترش می یابد و تقریباً صد در صد مرگ و میر به همراه دارد. کسانیکه واکسن نجات انسان را دارند، می توانند هر شرایطی را به دیگران دیکته کنند.

پاسخ دوم به این سؤال صرفاً منافع تجارتي است. این کافیسست که با کمک رسانه ها وحشت را ترتیب داد، هم چنانکه مواردی با چندین بیکاریهای همه گیر و مسری در گذشته بودند، از جمله آنفولانزا. پس از آن، این امکان خواهد داشت که داروی نجات انسان را بهر قیمتی که شده به فروش برسانند.

با این حال، دانشمندان روسی شک دارند که در واقع آمریکائی ها این دارو را بوجود آورده باشند. دانشمندان روسی هم چنین در بررسی ماهیت این ویروس تحقیق انجام دادند که بتوانند واکس ضد آن را بوجود آورند. دانشمندان روسی به عنوان مثال، پروفیسور اسکندر بوتنکو، عضو اعزامی مشترک اتحاد جماهیر شوروی- گینه در سال ۱۹۸۲ بود و تقریباً یک سال در جنگل های بارانی گینه بسر برد، زمانی که ویروس نا شناخته کشف شد.

پروفیسور بوتنکو گفت، اشاعه فعلی



▶ ابتلای این ویروس، ادامه شیوع خطرناک این ویروس از سال ۱۹۸۲ است. پروفیسور بوتنکو می گوید، دانشمندان روسی دارای گسترده ترین پایه های علمی برای بوجود آوردن این واکسن هستند. موادی را که اسکند بوتنکو در بیش از ۲۵ سال قبل جمع آوری کرده می بایست به نسل کنونی دانشمندان روسی به پیشرفت و پیدایش این واکسن بر ضد این تب کمک کند. تعدادی از محققین روسی در حال حاضر به این منظور در گینه بسر می برند، از جمله رئیس آزمایشگاه برای اکولوژی ویروس ها، میخائیل شپینو. میخائیل شپینو می گوید، «در حال حاضر این واکسن با موفقیت از پنج مرحله آزمایشی گذشته است اما، هیچ کس نمی داند چه موقع کار آنها به پایان خواهد رسید.»

[واکس ابولا تا به حال موجود می بود، اگر زندگی غربی ها در خطر قرار می گرفت. بسیاری از مردم در غرب فکر می کردند این بیماری فقط متعلق به آفریقای هاست به طوریکه هیچ علاقه اقتصادی و سیاسی در مشارکت در آن نمی دیدند اما، اکنون روشن شده است که یک واکسن برای همه مورد نیاز می باشد. به همین دلیل سازمان ملل اصرار می ورزد که روسیه در مبارزه با ابولا همکاری خود را گسترش دهد. و روسیه نیز آماده شده است تا به کشورهای غرب آفریقا کمک های اضافی مثل متخصصان و آزمایشگاه های مورد نظر را ارسال دارد. در این مورد لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز تأکید کرد که روسیه دکتر های لازم را به سیرا لئون به منظور مبارزه با بیماری ابولا خواهد فرستاد. طبق گزارش خبری تاس، هشت اکتبر ۲۰۱۴، تعداد تلفات این بیماری از ۳۳۰۰ نفر تجاوز کرده است. مترجم]

بازاک اوباما، رئیس جمهور آمریکا امروز سه شنبه ۱۶ سپتامبر برنامه خود برای اعزام سه هزار سرباز به لیبریا برای مقابله با گسترش ویروس ابولا را اعلام می کند!! اعزام تیم پزشکی کوبا به سیرالئون برای مهار «ابولا»

وزیر بهداشت کوبا اعلام کرد این کشور یک تیم پزشکی متشکل از گروهی از پزشکان و پرستاران را جهت مقابله با ویروس ابولا به «سیرالئون» اعزام می کند.

کوبا در تلاشی عظیم بر علیه اپیدمی ابولا - تلاشی که دیده نمی شود

نگارش : پاتریک پانولوف

مترجم : پیام پرتوی

هنگامیکه سازمان بهداشت جهانی در مورد مبارزه بر علیه اپیدمی - ی در حال رشد ابولا در آفریقای غربی تقاضای کمک می کند کوبا در خط مقدم جبهه ایستاده است. کوبا ۱۶۵ پزشک و پرستار را به منطقه اعزام می دارد.

آمار و سابقه کمک کوبا به جهان:

• در حال حاضر ۴۰۰۰ تن از کارکنان خدمات درمانی کوبا در ۳۲ کشور آفریقای حضور دارند. این بخشی از سنت طولانی کوبا در ارائه خدمات اجتماعی در کشورهای فقیر در سراسر جهان است.

• از ۱۹۶۹ جمعاً ۳۲۵۷۱۰ پزشک، پرستار و دیگر کارکنان بخش خدمات درمانی کوبایی، در ۱۵۸ کشور، از این جمع ۷۶۷۴۴ نفر در مجموعاً ۳۹ کشور آفریقای کار کرده اند.

در جریان نشست سازمان بهداشت جهانی در ژنو فعالیت های کوبا، متشکل از ۶۲ پزشک و ۱۰۳ پرستار، اعلام شده. این به معنای اینست که کوبا- ی کوچک کشور است که بزرگترین تیم پزشکی را به منظور مبارزه با ابولا اعزام می نماید.

رئیس سازمان بهداشت جهانی، مارگارت خان، تأکید نمود که این مرگبارترین شیوع ابولا تاکنون بوده است. بر اساس آمار ارائه شده، جمعه گذشته شمار موارد گزارش شده از عفونت ۴۸۰۰ نفر بوده است که از میان آنها بیش از ۲۴۰۰ نفر جانسپرده اند. او برای مبارزه با اپیدمی ابولا به نیاز بسیار عظیم کمک بین المللی پزشکی تأکید ورزید و به این مطلب اشاره نمود که تلاش وعده داده شده کوبا «تغییرات بسیار بزرگی را در سیرالئون سبب خواهد شد». در آنجا نیاز به افراد آموزش دیده در حوزه درمانی بسیار شدید است.

مارگارت خان به همراه وزیر بهداشت کوبا مورالس در کنفرانس ژنو شرکت نموده بود. رئیس سازمان بهداشت جهانی به کوبا بعنوان نمونه ای، هنگامیکه در مورد تلاش های امداد گرانه بین المللی صحبت میشود، اشاره نمود.

مارگارت خان گفت، «کوبا به خاطر تربیت پزشکان و پرستاران برجسته و برای کمک های سخاوتمندانه خود به کشورهای دیگر برای توسعه شان از شهرت جهانی برخوردار است، و من از دولت کوبا و سخاوت کارمندان بهداری آن که با تمام توان برای مبارزه با بدترین شیوع ابولا به ما کمک می کنند سپاسگزارم.»

وزیر بهداری کوبا، روبرتو مورالز، تأکید

ورزید که کوبا در خلال دورانی طولانی تجارب گسترده ای را در مورد خدمات درمانی در سراسر جهان بدست آورده است. تمامی آن ۱۶۵ پزشک و پرستاری که کوبا به سیرالئون می فرستد در گذشته از کار در آفریقا تجربه دارند.

روبرتو مورالز در نشست سازمان بهداشت جهانی به کشورهای دیگر هشدار داد که مثال کوبا را دنبال نمایند:

«من می خواهم به نام کوبا اهمیت اتحاد جهان را به منظور شرکت در تلاش های بین المللی برای متوقف نمودن اپیدمی ابولا در آفریقا تکرار کنم. آفریقا به همبستگی بین المللی نیاز مبرم دارد.»

"رکود فعلی، نامحدود و جهانیست"

۱۹ سپتامبر ۲۰۱۴ ،

وب سایت آر تی

Reuters / Petar Kujundzic / Files

جیم ریکاردز، اقتصاد دان و نویسنده کتاب «جنگ ارز: ویژگی های بحرانی بعدی جهانی»، به آر تی می گوید: ما در رکود جهانی قرار داریم که از سال ۲۰۰۷ آغاز شده است و می رود تا زمان نامحدودی ادامه داشته باشد.

ارن، از "بوم باسد"، در برنامه تلویزیونی خود از اقتصاد دان، جیم ریکاردز سؤال می کند: بانک مرکزی چین ترکیب ۵۰۰ میلیارد یوان را به بانک های بزرگ کشور تزریق می کند - حرکتی است که نشان دهنده نگرانی عمیق از کاهش رشد اقتصادی در چین است. فروگرایی و کساد در اقتصاد چین تحت عنوان سرمایه گذاری، کاهشش را در قیمت املاک چینی خود را نشان می دهد، که باعث شده است اقتصاد دانان فقدان مالی بیشتر و کاهش رشد اقتصادی را در نیمه دوم سال پیش بینی کنند. آیا این کاهش نرخ بهره مشکل کوتاه مدت چین را حل خواهد کرد و آن را دوباره در دراز مدت در مسیر رفاه قرار خواهد داد؟

آر تی: در حال حاضر بانک مرکزی چین مشوق انگیزه ارائه می دهد. آیا این بخشی از دوره جدیدی از «جنگ ارزی» است؟ جیم ریکاردز: بله، درست است، من فکر می کنم که این یک «جنگ درازمدت ارزی» است. ما در حال حاضر وارد یک میدان نبرد، بیشتر شبیه یک رویارویی می شویم. دلار ایالات متحده تنها ارز نیرومندی است که نمی تواند دوام داشته باشد: ایالات متحده نمی تواند ارز قوی داشته باشد، به خاطر

اینکه ما از روی درماندگی در تورم



باید بسر ببریم. ما با سیاست کاهش کمی تا توانستیم اسکناس بدون پشتوانه چاپ کردیم، ما نقش برجسته صفر را به نرخ بهره دادیم، ما رهنمون بیشتر صادر کردیم، ما دستکاری و تحریف انجام داده ایم، و ما نسخه در تنگنا گذاشته شده کاهش کمی (چاپ اسکناس بدون پشتوانه) را انجام داده ایم. ما همه چیز ممکن را انجام داده ایم. تنها چیزی که باقی مانده است، کاستن ارزش ارزی است و در واقع دلار قوی تر می شود. فدرال ریزرو ممکن است نظر خاص در مورد دلار قوی نداشته باشد. شش ماه قبل، به نظر می رسید که اقتصاد قوی تر می شود. ما شاهد تولید ناخالص داخلی قوی در سه ماهه دوم بودیم. بنابراین روزهای بسیار کم و خوبی بود. و اروپا از روی استیصال در پی کمک بود: آنها وارد رکود می شدند. اقتصاد ژاپن در سه ماهه دوم سقوط کرد. بنابراین شما می توانستید ببینید که فدرال ریزرو بگوید «خوب...» ما دلار قدرتمندی خواهیم داشت و به شدت سقوط اروپا و ژاپن را کاهش می دهیم.» اما، آن شرایط به پایان رسیده است. اکنون بازنده ایالات متحده است و این ما هستیم که نیاز به وقفه از شدت سقوط مان داریم. تنها راه بدست آوردن آن کسب دلار ارزان تر می باشد. من به دنبال این قضیه در ماه های آینده خواهم گشت.

آر تی: شرکت مدیریت سرمایه گذاری پاسیفیک (پمکو یا، پی آی ام سی او) می گوید، رشد اقتصادی چین در سال آینده به شش و نیم در صد خواهد رسید و این علی رغم بالا ترین درصد یعنی هفت و نیم درصد که اکنون می باشد است. آیا فکر می کنید که آمار پمکو درست باشد؟

جیم ریکاردز: بله، این رقم قرار است پائین تر برود. من معتقدم که رشد اقتصادی چین به ۳ تا ۴ درصد برسد. من می گویم که رشد اقتصادی چین در حال حاضر ۴ درصد می باشد. من می دانم که آنها ۷٫۵ در صد اسکناس چاپ می کنند. اما، حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی آنها که تولید می شود، به هدر می رود. بنابراین، اگر چین یک ایستگاه قطار ۵ میلیارد دلاری در شهر کوچکی که تولید ناخالص آن ۵ میلیارد دلار می باشد بسازد- این پول کاملاً به هدر رفته است، به دلیل اینکه چون ۱۰ نفر روزانه از قطار استفاده می کنند، کافی نخواهد بود که مخارج ۵ میلیارد دلاری را تأمین کند. بنابراین، شما در سراسر چین با این شهرهای ارواح نشین روبرو هستید که ما در موردشان قبلاً صحبت کردیم... پس تولید

ناخالص داخلی تولید می شود اما، این کاملاً به هدر رفته است. اگر شما ارقام منتشر شده تولید ناخالص داخلی را نسبت به هرز رفتن ها تنظیم کنید، رشد واقعی این کشور در حال حاضر احتمالاً حدود ۴ درصد است. این رقم می رود که بیشتر کاهش یابد.

آر تی: چین بدین ترتیب رشد اقتصادی کشورهای بریکس را نیز کند می کند، به جز کشور هندوستان، اروپا نیز در حال کند شدن می باشد. چه کسی می رود تا از این کساد جلوگیری کند؟

جیم ریکاردز: هیچ کس، ما در یک رکود اقتصادی بسر می بریم. این رکودی است جهانی. این رکود در سال ۲۰۰۷ آغاز شد و می رود تا به طور نامحدود و بی حد و حصری ادامه یابد. این رکودها ساختاری هستند، راه حل های پولی برای رکودهای ادواری به کار می رود، شما نمی توانید مشکل ساختاری را با درمانهایی که برای رکودهای ادواری به کار می رود استفاده کنید. سیاست پولی کارآئی نخواهد داشت. در نهایت کاری را که این رکود ساختاری می تواند بکند، اینست که باعث تورم شود. مردم تاکنون می گویند: «تورم کجاست؟...» ما تریلیونها دلار چاپ کردیم، هیچ تورمی وجود ندارد. چرا که ما می بایست تورم منفی می داشتیم، یعنی کاهش شدید قیمت، اما برای چاپ اسکناس. این کار سبب تولید تورم شد به حدی که این جبران کاهش قیمت شد... جهان در قلب رکود بسر می برد، ما از آن خلاص نخواهیم شد.

آر تی: در سال گذشته ما بحران قابل توجه اقتصادی در ایالات متحده و اروپا مشاهده نکردیم. بدین سان، فشار در حال تشدید در جهت بحران دیگر نیست، و اگر چنین است کجاست؟ آیا این بحران جهانی به حق است؟ جیم ریکاردز: این در جایی فوران خواهد کرد، این در جایی ظهور خواهد کرد، اما به سراسر جهان کشیده خواهد شد. من فکر می کنم اینجا دو کاندید موجودند. یکی به طور واضح سهام ایالات متحده می باشد که یک حباب است. شاید در چین بیشتر محتمل باشد. ما در مورد اقتصاد چین صحبت کردیم که در حال کند شدن است - که این جا مورد نظر است. بدترین حالت اینست که حباب های اعتباری فرو می پاشند. پس انداز کنندگان چینی - شما می دانید که آنها در یک کشور ثروتمند هستند - آنها با ثروتی که دارند دارای اعتبار زیادی هستند. آنها جاهای زیادی ندارند که بروند، آنها نمی توانند در سهام خارجی سرمایه گذاری کنند، آنها هیچ اعتمادی به بازار سهام خود ندارند....

بانکهای چینی به آنها هیچ چیز نمی دهند. بنابراین آنها تمام ثروت خود را در املاک و مستقالات سرمایه گذاری می کنند و هم چنین در محصولات مدیریت ثروت، آنها تولیدات ساختار مانند سی دی او (اوراق قرضه ای که پشتوانه آنها اسناد بها دار دیگر نیست) هستند ولی، در پس آنها املاک و مستقالات قرار دارد. حامیان آنها در این صندوق ها پول جمع آوری می کنند؛ به شما یک گواهی نامه مدیریت ثروت می دهد. و سپس، آنها پول را می گیرند و در املاک و مستقالات سرمایه گذاری می کنند. اما، املاک و مستقالات چیزی تولید نمی کنند، این تماماً گمانه زنی است، این تماماً یک حباب است. این حباب خواهد ترکید و به فروپاشی خواهد انجامید.



گوشه کوچکی از وضعیت اسفناک زنان در خاورمیانه

کاهش چشمگیر سهم زنان در بازار کار ایران

۱۰ اکتبر ۲۰۱۴ - ۱۸ مهر ۱۳۹۳

در یک سال گذشته بیش از ۵۵۳ هزار نفر از زنان ایرانی از چرخه فعالیت های اقتصادی خارج شده اند مرکز آمار ایران گزارش داده که نرخ بیکاری در تابستان امسال به ۹٫۵ درصد رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل نزدیک به یک درصد کاهش پیدا کرده است. در تابستان سال گذشته نرخ بیکاری ۱۰٫۴ درصد بود.

تعداد بیکاران در تابستان امسال بیشتر از ۲ میلیون و ۲۵۷ هزار نفر اعلام شده است در حالی که تعداد بیکاران در تابستان سال گذشته دو میلیون و ۵۶۳ هزار نفر بودند. این آمار نشان می دهد که بیش از ۳۰۶ هزار نفر از تعداد بیکاران کم شده است.

این در حالی است که نرخ فعالیت اقتصادی (ترکیب شاغلان و بیکاران) در تابستان امسال ۳۷٫۲ درصد بوده است یعنی ۲۳ میلیون و ۷۵۶ هزار و ۹۶۶ از نظر اقتصادی فعال بوده اند در حالی که در تابستان سال گذشته نرخ مشارکت اقتصادی



۳۹.۱ درصد بوده و ۲۴ میلیون و ۷۵۴ هزار نفر از نظر اقتصادی فعال بودند. این یعنی در یک سال گذشته بیشتر از ۹۹۷ هزار نفر از کسانی که از نظر اقتصادی فعال بودند و در گروه شاغلان یا بیکاران قرار داشتند، از فهرست متقاضیان کار خارج شده‌اند.

بیش از ۴۰ میلیون ایرانی با اینکه در سن کار هستند اما جزء جمعیت غیرفعال اقتصاد ایران محسوب می‌شوند.

این در شرایطی است که هر ساله نزدیک به همین رقم از دانشگاهها فارغ التحصیل می‌شوند و به قاعده این افراد باید جزو کسانی باشند که در ردیف متقاضیان شغل قرار می‌گیرند. با این حساب باید در یک سال اخیر نه تنها از تعداد متقاضیان شغل و شاغلان کم نمی‌شد بلکه به تعداد آنها دستکم یک میلیون نفر اضافه می‌شد.

کاهش سهم زنان در فعالیت های اقتصادی

بنابر این گزارش، میزان بیکاری زنان بیشتر از دو برابر مردان است و این در حالی است که از ۲۳ میلیون و ۷۵۶ هزار نفر از کسانی که از نظر اقتصادی در شرایط فعالیت اقتصادی (مشارکت اقتصادی) قرار دارند بیشتر از ۲۰ میلیون نفر مرد و بیش از سه میلیون و ۷۴۹ هزار نفر زن هستند. به این ترتیب، سهم زنان در فعالیت های اقتصادی ایران کمتر از سه میلیون و ۷۵۰ هزار نفر و سهم مردان بیشتر از ۲۰ میلیون نفر است.

یکی دیگر از دلایلی که به عنوان کاهش حضور زنان در ترکیب جمعیت فعال عنوان می‌شود، ازدواج و صرف‌نظر از پیدا کردن شغل است.

در سالهای اخیر میزان جمعیت فعال کشور کاهش پیدا کرده است.

بنابر این گزارش، سهم جوانان در میان بیکاران همچنان بسیار بالاست و حدود دو سوم از مجموع دو میلیون و ۲۵۷ هزار بیکار کشور، جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله هستند. این یعنی فقط حدود ۸۰۰ هزار از بیکاران کشور را افراد بالای ۳۰ ساله تشکیل می‌دهند.

بررسی وضعیت اشتغال در بخش های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که بخش خدمات تقریباً نیمی از شغل های موجود در ایران را تشکیل می‌دهد و بعد از آن صنعت قرار دارد که کمی بیشتر از ۳۳ درصد از شاغل ایرانی در آن کار می‌کنند و حدود ۱۹ درصد

از شاغلان نیز در بخش کشاورزی مشغولند.

مفهوم مشارکت اقتصادی

افزایش اشتغال باید با افزایش میزان مشارکت اقتصادی همراه باشد در حالی که چنین روندی در اقتصاد ایران به چشم نمی‌خورد.

نرخ فعالیت یا مشارکت اقتصادی به این معنی است که چه تعداد از افراد بالای ده سال از نظر اقتصادی فعال بودند و در گروه بیکاران یا شاغلان قرار دارند. البته باید توجه داشت که افرادی که تحصیل می‌کنند یا خانه دار هستند، جزو جمعیت غیرفعال به حساب می‌آیند و در این فهرست جای نمی‌گیرند.

به بیان دیگر نرخ مشارکت اقتصادی نسبت جمعیت فعال اقتصادی (بیکار و شاغل) به کل جمعیت کشور است و گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که نرخ مشارکت اقتصادی که در سال ۱۳۸۵ بیشتر از ۴۰.۴ درصد بود در تابستان امسال به ۳۷.۲ درصد رسیده است.

کارشناسان اقتصادی می‌گویند چون میزان مشارکت اقتصادی نسبت جمعیت فعال (شاغل و جویای کار) به کل جمعیت بالای ده سال است، انتظار می‌رود که افزایش اشتغال با افزایش میزان مشارکت اقتصادی همراه باشد در حالی که چنین روندی در اقتصاد ایران به چشم نمی‌خورد.

از مجموع جمعیت ۷۷ میلیون ایرانی بیشتر از ۲۳ میلیون نفر فعال بوده اند یعنی یا شغل داشته یا به دنبال پیدا کردن شغل هستند و بیش از ۴۰ میلیون ایرانی با اینکه در سن کار هستند اما جزء جمعیت غیرفعال اقتصاد ایران محسوب می‌شوند.

شاغل کیست؟

• بنابر تعریف مرکز آمار، هر کس در هفته یک ساعت کار کند، شاغل است و در غیر این صورت در ردیف بیکاران جای می‌گیرد.

• از نظر مرکز آمار، بیکار کسی است که هفت روز پیش از مراجعه مامور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده و دارای شغلی نیز نبوده باشد.

• گزارشهای رسمی نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۸۵ که دولت محمود احمدی نژاد تصمیم به تغییر محاسبه نرخ بیکاری گرفت، هیچگاه یک ساعت کار در هفته ملاک سنجش میزان بیکاری نبوده است.

• در سرشماری های سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ کسی شاغل به حساب می‌آمد که در

هفته هشت ساعت و بیشتر کار کرده باشد.

• در سرشماری های عمومی سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ مینای محاسبه میزان بیکاری تغییر کرد و هر کسی که در هفته دو روز یا بیشتر کار می‌کرد، شاغل حساب شد.

[باتوجه به محاسباتی نظیر شاغل بودن به یک ساعت کار در هفته! به این نتیجه منطقی می‌رسیم که تعداد بیکاران به مراتب بیشتر از ارقام رسمی می‌باشد . رنجبر]

”دولت اسلامی“ ۴ زن را

در عراق اعدام کرد

خبر اعدام ۴ زن در هفته گذشته توسط گروه ”دولت اسلامی“ (داعش سابق) را بستگان این زنان و فعالان حقوق بشر روز شنبه (۱۱ اکتبر / ۱۹ مهر) مشترکاً اعلام کردند. خبرگزاری فرانسه به نقل از حنا ادوار، فعال حقوق بشر عراق گزارش داد که سه تن از این زنان روز چهارشنبه (۸ اکتبر) در شهر موصل اعدام شدند. دو نفر از آنها پزشک بودند و نفر سوم فارغ‌التحصیل رشته حقوق بود. یک پزشک در موصل این داده‌ها را تأیید کرده است.

روز یکشنبه (۵ اکتبر) نیز یک نماینده پیشین سنی‌مذهب پارلمان عراق در شهر تل‌عفر اعدام شد. او در ماه گذشته از منزلش ربوده شد. چند روز پیش عاملان اعدام او به خانواده این زن تلفن زده و اعلام کردند که او را کشته‌اند.

حنا ادوار، فعال حقوق بشر در عراق می‌گوید، در هفته‌های گذشته دست کم ۴ زن دیگر در نزدیکی‌های موصل توسط نیروهای ”دولت اسلامی“ اعدام شدند. یکی از این زنان دارای تحصیلات عالی و کاندیدای سابق برای عضویت در شورای شهر موصل بود. ۲۰ مهر ۱۳۹۳ آسمان دیلی نیوز.

واکنش مسئول انصار حزب الله به اسید پاشی به زنان اصفهانی

ایران وایر : هر روز موقع بیرون رفتن از خانه چند بار جلوی آینه می‌ایستد، روسری اش را سفت می‌کند. دکمه‌های مانتو را نگاه می‌کند که مبادا باز مانده باشند. دو هفته‌ای است که اصلاً آرایش نکرده، زیر بارانی‌هایی که آستین گشاد دارند ساق آستین مشکی دست کرده اما باز هم موقع بیرون رفتن هم خودش دلشوره دارد و هم پدر و مادرش.

اینجا اصفهان است. سارا بیست و یک ساله



زیر ۱۵ سال در آذربایجان شرقی
معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی، میانگین سنی ازدواج در پسران استان را ۲۷,۸ سال و دختران را ۲۲,۶ سال عنوان کرد و افزود: در سال ۹۲، سه مورد ازدواج زیر ۱۰ سال و چهار هزار و ۴۸۸ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال و شش مورد ازدواج پسران زیر ۱۵ سال در استان آذربایجان شرقی ثبت شده است.

به گزارش ایسنا، «لیلا جاویدان» در نشست خبری مدیر کل و معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان استان با اصحاب رسانه، به مناسبت هفته ی ازدواج اظهار کرد: طبق بررسی های انجام شده در سطح کشوری، بحث های اعتیاد، طلاق و خشونت موضوعات مهم هستند و بر اساس آماري که از ثبت احوال گرفته شده است، آمار طلاق در استان از سال ۸۲ سیر صعودی طی کرده و آمار ازدواج نیز، از سال ۸۷ کاهش یافته است که معضل بزرگی در استان و کشور است. پیک ایران - ۵مهر ۱۳۰۳



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

ایران وایر می‌گوید: «در چند روز اخیر دو بیمار داشته که با اسید سوخته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «البته من هر روز و هر ساعت که در بیمارستان نیستم و ممکن است موارد دیگری هم باشند که اطلاع نداشته باشم.»

انتشار این اخبار در شرایطی صورت می‌گیرد که اخیراً طرح حمایت از آمران معروف و ناهیان از منکر در مجلس شورا تصویب شد و گروه های انصار حزب الله نیز اعلام کردند که فعالیت خود را در خیابانها از سر می‌گیرند.

شهروندان اصفهانی در گفت‌وگو با «ایران وایر» این موضوع را بی ارتباط با برخورد با بدحجابان نمی‌دانند. یکی از آنها می‌گوید: اگر از شاهدان عینی بپرسید. همگی اسید پاشان سوار بر موتورهای بزرگ بوده و تیپ و قیافه‌ای مذهبی دارند.» او می‌گوید: «در شهر هم به طور غیر رسمی مثلاً توسط امام جماعت مساجد و یا در مراسم مختلف در جاهای مختلف اعلام شده که خانم‌ها حجاب‌هایشان را رعایت کنند تا عده‌ای ناراحت نشوند.»

کمیل کاوه رئیس انصار حزب الله اصفهان است. او انگار اصلاً اخبار اسیدپاشی‌ها را نشنیده است و به «ایران وایر» می‌گوید: «مناسفانه یا خوشبختانه اصلاً از این موضوع خبر ندارم.» او در ادامه می‌گوید: «یک انسان مسلمان اگر یک ذره دین هم داشته باشد اصلاً فکر این کار به سرش نمی‌زند.» کمیل کاوه در پاسخ به این سوال که آیا انصار حزب الله اصفهان مبارزه با بدحجابی را از سر گرفته می‌گوید: «مبارزه که ما الان توفیقش را فعلاً نداریم که بخواهیم نهی از منکر بکنیم.» او درباره چرایی این موضوع پاسخ نمی‌دهد و می‌گوید: الان من در نماز جمعه هستم و بیشتر از این نمی‌توانم صحبت کنم.»

تلاش برای گفت و گو با نیروی انتظامی به جایی نمی‌رسد. فعلاً کسی دوست ندارد درباره این چیزها صحبت کند. بر خلاف مسئولان مردم با نگرانی و کنجکاوای درباره این موضوع هر روز صحبت می‌کنند.

سارا از وقتی این اخبار را شنیده، بارها با دیگران درباره اش حرف زده و فکر کرده، پاسخی نیست فعلاً. او می‌گوید هر بار که به آینه نگاه می‌کند به یک موضوع وحشتناک فکر می‌کند: «باور کن هر بار فکر می‌کنم شاید این آخرین بار است که صورتم را سالم می‌بینم.» آسمان دیلی نیوز ۱۳۹۳/۷/۲۵

ازدواج بیش از چهار هزار دختر

ساکن یکی از خیابانهای اطراف جلفا است. دو هفته است که اخبار اسید پاشی به صورت زنان بدحجاب از سوی گروهی موتور سوار میان مردم اصفهان به خصوص ساکنان اطراف منطقه جلفا از خیابان حکیم نظامی تا خیابان نظر، توحید و مهرداد دهان به دهان می‌چرخد.

روز گذشته البته خبرها رسمی شد و خبر گزاری ایسنا پس از انتشار خبر اسید پاشی بر روی صورت زنی که سوار بر خودرو بوده از احتمال اسید پاشی برای برخورد با بدحجابی خبر داد. گرچه جانشین فرماندهی انتظامی استان اصفهان و فرماندار اصفهان این اسید پاشی‌ها را دو مورد عنوان کرده و در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرده‌اند هنوز علت اسید پاشی‌ها مشخص نیست و پلیس در حال پیگیری است اما مردم اصفهان نظر دیگری دارند.

همزمان با انتشار خبر ایسنا ساکنان منطقه جلفا در اطراف پاساژ مارتین یک اسید پاشی دیگر هم می‌بینند. خبر این اسید پاشی رسانه‌ای نشده اما سارا از نزدیک در جریان این اسید پاشی قرار گرفته است: «من می‌خواستم برای خرید به پاساژ مارتین بروم. نزدیک پاساژ دیدم مردم جمع شده بودند و خیابان خیلی شلوغ بود. اول فکر کردم تصادف شده. اما وقتی جلوتر رفتم و از مردم پرسیدم گفتند: از پشت با سرنگ به دو دختر که در خیابان قدم می‌زدند اسید پاشیده‌اند.» او خودش دیر رسیده و آن دو را ندیده: «مردم می‌گفتند: اسید مانتوهایشان را سوراخ کرده بود و قسمتی از بدنشان سوخته بود.»

یک منبع مطلع به ایران وایر می‌گوید: «دو هفته پیش فقط عده‌ای موتور سوار به قصد ترساندن خانم‌ها سطلی را روی صورت آنها خالی می‌کردند. محتویات داخل سطل اسید نبود. گاهی آب بود و گاهی مواد شوینده با آن مخلوط شده بود و کمی صورت را می‌سوزاند. آنها می‌خواستند مردم را بترسانند اما در هفته اخیر واقعا اسید پاشی صورت گرفته و حداقل ۶ مورد اسید پاشی به بیمارستان فیض اصفهان منتقل شده‌اند.» بیمارستان فیض اصفهان، مرکز تخصصی چشم پزشکی است و احتمالاً کسانی که به این بیمارستان منتقل شده‌اند اسید روی صورتشان پاشیده شده است. او می‌گوید: «میانگین سنی این افراد حدود سی سال است.»

البته این‌ها تنها موارد اسید پاشی اصفهان در روزهای اخیر نیستند. یکی از پزشکان بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان نیز به



در جبهه جهانی کمونیستی... بقیه از صفحه آخر

• سوسیال - دموکراسی سابق توسط شخصیت‌های رهبری که ملترم به دادن گزارش به هیچ کس نبودند مشخص می شود. بلشویکی کردن حزب ارگانهای رهبری جمعی ایجاد کرد که وظایف کاملا معینی داشتند. در سطح مرکزیت، اصولا این پلنوم کمیته مرکزی و گروههای سیاسی و سازمانی تشکیل شده از آن بودند.

در تمامی پیشرفت های تاریخی، بلشویکی کردن حزب کمونیست آلمان به طور قاطعی با متد دیالکتیک ماتریالیستی تشخیص نیافت. روابط مکانیکی، نفی کردنهای ساده و جداشدن جوانب مختلف تشکیل دهنده ی وحدت دیالکتیکی مستدل سازی و رابطه عملی بلشویکی کردن را مشخص نمی کردند:

• انگشت گذاشتن به حق روی اهمیت حوزه های شرکتی هم راه نفی کار در مناطق مسکونی، در میان توده های وسیع و کار در اقصای بینابینی شد.

• کنترل مرکزیت "بیشتر" به یک دموکراسی "کمتر" و حقوق اعضاء منجر می شود. رابطه بین پایه و رهبری و محتواهای کاری در چهارچوب رهبری شده به طریق زیر صادر شدند:

«ارگانهای رهبری باید در رابطه دائم با اعضاء حزب باشند و کار را بین آنها تقسیم کنند، رهنمود بدهند، کنترل کنند کار آنها را و غیره، تا بدین طریق آنها ادغام شوند به طور فعال در کار حزبی. به کمک اعضاء است که سازمان حزبی دستورات حزبی را پخش می کند و تاکتیک حزب را در میان توده ها به تحقق می رساند. در عین حال سازمان حزبی توسط اعضاء از وضعیت طبقه کارگر و روحیه توده ها که در میان آنها اعضاء حزب کار می کنند، مطلع می شود.» (۱۷)

• کار ضروری کمونیستها در سازمانهای توده ای به طور صریحی بر محور فعالیت فراکسیونی، قرار گرفت که در نهایت به ابزار کردن سازمانهای توده ای به مثابه دنباله حزب منجر شد.

• هر قدر که تصمیم سیاسی جمعی و سازماندهی و کنترل در عمل درست باشد، به همان اندازه اثر جدائی اکیدی بین بخش های سیاسی و سازمانی منتفی می شود و در "رهنمودهایی برای ساختمان تشکیلاتی حزب" در سال ۱۹۲۵ آمده است:

«دقت سیاسی» در مورد مسائل سیاسی

موضع گیری کرده و تصمیم می گیرد. (...)

"دقت تشکیلاتی" ... به تمامی مسائل سازمانی پرداخته و رهبری تقسیم نیروهای فعال حزبی را دارد.» (۱۸)

کار سازماندهی و چهارچوبی روی تقسیم وظایف، نیروهای مربوط به آنها و کنترل کار تمرکزی یافت. بدین ترتیب، کار سازماندهی و اختصاص کادرها کاملا بر محور تصمیمات به کار گرفته شده توسط دقت سیاسی بود. این در مجموع جدائی بین گرفتن تصمیمات سیاسی و اجرای سیاسی - تشکیلاتی آنها بود.

تمامی جوانب متافیزیکی نه تنها تأثیرات مهم ایده نولوژیکی - سیاسی، بلکه همچنین در سیاستها و تاکتیکها می گذاشت.

با آگاهی در ام.ال.پ.د. هیچ گاه دقت سیاسی و دقت تشکیلاتی جدا از هم نبودند، ولی دبیرخانه کمیته مرکزی همیشه مجموعه ی رهبری سیاسی را به مثابه یک واحد مسائل سیاسی، سازمانی و تقسیم وظایف در نظر داشت. مع الوصف، درک کار سازماندهی و تقسیم وظایف در حدی بود که این در درجه اول به جذب و به عمل در آوردن خط ایده نولوژیکی - سیاسی نزدیک می شد. در حقیقت، تمامی جوانب ساختمان حزب چه در سطح عام و چه در هر مورد منفرد بر تاثیر گذاری متقابل دیالکتیکی تئوری و پراتیک قرار دارند.

« بدین ترتیب، تعدد پراتیکها و درکهای تئوریک در قاطعیت و بهتر نمودن خط ایده نولوژیکی - سیاسی حزب در هم ادغام می شوند. خط ایده نولوژیکی - سیاسی واحد به نوبه خودش به صورتی فعال نسبت به شرایط متفاوت توسط سازماندهی های مشخص به عمل در خواهد آمد.» (۱۹)

ماهیت نظام کار تشکیلاتی و مسئولیت دهی کادرها در نوع جدید عبارت است از سازماندهی وحدت اساسی قاطعیت و تکامل خط ایده نولوژیکی - سیاسی با آموزش و کنترل برای جذب و به عمل در آوردن آن.

مورد رسیده گی صحیح قرار دادن

تضادها

در گذار به وضعیت جدید

بر اساس دیالکتیک مارکسیستی، هر تغییر اصلی در تکامل یک روند، جهشی کیفی است. در راه انقلابی شماره ۲۴ در این مورد می خوانیم:

« تکامل طبیعت و جامعه به طور تدریجی

و افزایش ممتد نبوده و با پرش صورت می گیرد. تداوم ظاهری قطع می شود و تغییر کمی به کیفی و برعکس به وجود می آید.» (۲۰)

اغلب انسان در تکامل کمی به مثابه علت جهش در کیفیت جدید دچار اشتباه می شود. در واقع، تکامل کمی جز شرط اساسی برای این که خصوصیت متضاد داخلی هر روندی که بتواند در حدی شکوفا شود، که نو بر کهنه غلبه کند، نیست. مائو تسه دون در مورد این مسئله می نویسد:

« دیالکتیک ماتریالیستی... بر آن است که علت خارجی شرط تحول و علت داخلی اساس تحول اند، و این که علت خارجی از طریق علت داخلی موثر واقع می شوند.» (۲۱)

علت اساسی هر جهش کیفی قانون مبارزه و وحدت تضاد است، که به هر رشد و هر روندی مربوط است. مائو تسه دون تشریح می کند که چه گونه مبارزه و وحدت تضاد تکامل می یابند:

« هر پدیده ای در حرکتش دو حالت را نشان می دهد، یک حالت سکون نسبی و یک حالت تغییر آشکار. این دو نوع حالت در اثر مبارزه بین دو عنصر متضاد در درون خود پدیده به وجود می آید. وقتی که پدیده حرکتش در حالت اول باشد، فقط تغییرات کمی و نه کیفی در آن صورت می گیرد. وقتی که پدیده در حرکتش در حالت دوم باشد، تغییرات کیفی صورت می گیرد که در حالت اول با رسیدن به نقطه حداکثر در اثر یک تغییر کیفی باعث گسست وحدت در پدیده می شود؛ در آن جا تغییر آشکاری ظاهری گردد.» (۲۲)

این بدان معنا است که هر گذار از یک کیفیت به کیفیت دیگر پیوسته و ایسته است به شکوفائی تضادها. جوانب متضاد در روند تکامل مبارزه شان به نتیجه تبدیل روند کیفی سابق به روند کیفی جدید منتهی می شود.

این وظیفه ی هر رهبری است که مواظب باشد که چنین وضعیت گذرا به صورتی غیر خصمانه تکامل یابد. نتیجه همیشه باید بالا رفتن به سطحی عالی تر وحدت تئوری و پراتیک باشد. تکامل خصمانه تضادها برعکس معادل است با برتری شیوه تفکر خرده - بورژوائی.

متد اصلی برای این که وضعیت گذار به طور غیر خصمانه رشد یابد عبارت است از تکامل کنترل شده تضادها:

• این به معنای پیش بردن آگاهانه مبارزه بین شیوه تفکر پرولتاریائی و خرده -



▶ بورژوائی است با تضمین این که شیوه تفکر پرولتاریائی نقش رهبری کننده اش را حفظ کرده و این که شیوه تفکر خرده - بورژوائی پیش روی نکند.

• هر وضعیت گذرا در رابطه است با مبارزه بسیار دقیقی بین شیوه تفکر پرولتاریائی و خرده - بورژوائی، که در عین حال به طریقی قابل رویت می باشد. برای انجام آن، باید از **جانب ایده نولوژیک - سیاسی در هر وظیفه** ای حرکت نمود.

• توجه به این که تضادهای داخلی در حزب در هوا جریان نیافته، رجوع کردن به **وظایف در مبارزه طبقاتی** اساسی می باشد. در هر تغییر کار حزبی، کنترل وظایف حزبی در مبارزه طبقاتی، در بالابردن سطح درگیری بین ساختمان حزب و ارتقاء خودسازمان یابی توده ها و کسب رای اکثریت قاطع طبقه کارگر به خاطر سوسیالیسم مهم است.

• گذار کنترل شده کیفیت کار حزبی به کیفیت دیگر همیشه وابسته است به **عمل کرد خوب سیستم خودکنترلی** حزب، که توسط سه **وجهی** از وحدت دیالکتیکی می باشند.

۱. **کنترل رهبری توسط پایه**، از طریق انتقاد و انتقاد از خود،

۲. **توسط خودکنترلی کادرها**، معادل توانائی در غلبه بر شیوه تفکر خرده - بورژوائی به طور مستقلانه، و

۳. **توسط کنترل از بالا** از طریق کمیسیون کنترل مرکزی، که در آن کنترل شیوه تفکر حزب تمرکزی یابد. بدون چنین کمیسیونهای کنترل، کنترل شیوه تفکر حرفی توحالی باقی می ماند.

در مورد هر وظیفه حزبی، این سیستم خودکنترلی حزب باید اساسا و مشخصا توسط کمیته مرکزی و توسط کمیسیون کنترل مرکزی سمت گیری یابد. با این سیستم خودکنترلی حزب، مارکسیست - لنینیستها سلاح مهمی را برای برخورد به تضادهای درون حزبی به صورتی خلاق و رشدیابنده مسائل می سازند.

• شکوفائی کنترل شده تضادها در ساختمان حزب به هنگام گذار از یک کیفیت به کیفیت دیگر به طور فشرده ای وابسته است به **متد تحت فشار قراردادن مسائل ثانوی**، در زمانی که مسائل اصولی بایستی به فوریت روشن شده و تبدیل به تصمیمات گردند. آنهایی که بر عکس مسائل اصولی را تحت فشار قرار می دهند خطر خصمانه شدن در درون حزب را افزایش می دهند که تا حد جریان انحلال طلبی پیش می روند. با وجود این، آنهایی که **متد فشار آوردن بر تضادها را کنار بگذارند** دچار خطر پیش رفته کنترل نشده شیوه

تفکر خرده - بورژوائی می شوند که می تواند در نتیجه به ساختمان حزب صدمه بزند. شروع تمرکزدهی یک نواخت با ایجاد تغییرات در همه ی مسائل بدون ایجاد سردرگمی غیرممکن است. طبعاً، ارجحیت مقدماتاً به تغییر آموزش و کنترل به مثابه مسئله مرکزی در خودتغییردهی کار حزبی در مورد هر مسئله ویژه داده می شود. حفظ فشار موقتی تضادها عنصری از راه حل آگاهانه تضاد عمده است، و وابسته به شرایط کاملاً مشخص می باشد.

قوانین پیش روی شیوه

تفکر خرده - بورژوائی

سیستم خودکنترلی باید به قانون مبارزه بین شیوه تفکر پرولتاریائی و خرده - بورژوائی احترام بگذارد. طبق این قانون پیش روی شیوه تفکر خرده - بورژوائی در کار حزبی در سه مرحله صورت می گیرد:

• **مرحله اول پیدایش و علامات جداگانه شیوه تفکر خرده - بورژوائی** در نتوری و در پراتیک روزمره کار حزبی است. اینها می توانند به صورت اشکال متحجر، اتهام ذهنی، اشتباهات تاکتیکی، نرمش ناپذیری، جانبداری در انتخاب معیار برنامه ریزی، نمایش دهی اشتباه نیروها، نادیده گرفتن برخی از جوانب حزب، باشند. تمامی خود این اشتباهات، باز هم مسئله ای نیستند. در کار معمولی حزب، آنها از طریق بحث در گرد هم آئیهای گروهی یا رهبری، یا در روند تحلیل کار بر طرف می شوند.

• با وجود این، اگر از تصحیح اشتباهات امتناع شود، یا برخی اشتباهات متمرکزتر شوند، یا این که اگر با **سرسختی و مخلوط کردن برخی اشتباهات**، به **تکامل نادرست برسیم**، این به معنای **دومین مرحله ی پیشروی شیوه تفکر خرده - بورژوائی** می باشد. شیوه تفکر خرده - بورژوائی آن وقت ملبس به **خصلتی گرایشی** می گردد. عقب نشینی جنبه ایده نولوژیک - سیاسی، زیاده از حد ارزیابی عمومی از خود، انتقاد و انتقاد از خود غیر اصولی، اراده گرایی، کیش شخصیت، قانون گرایی سندیگائی، روشهای رهبری بوروکراتیک، عدم انضباط، فقدان برنامه داشتن و غیره جزئی از آن می باشند. این مرحله در شیوه تفکر خرده - بورژوائی ملبس به **خصوصیت اصولی** خلاصه می شود. یعنی این که علیه اصول حزبی به پا برمی خیزد. این مرحله تهدیدی پوشیده در مبارزه بین دومی می باشد. بزرگ ترین هشجاری انقلابی ضروری است و با **شکوفائی انتقاد و انتقاد از خود اصولی**، اشتباهات اصولی

بایستی برملا و تصحیح تا حد ریشه ی ایده نولوژیکی شوند. در چنین وضعی، موضع در برابر انتقاد و انتقاد از خود اصولی تعیین کننده همه چیز می شود. در راه انقلابی ۲۶، در این مورد می توان خواند: **"به کارگیری انتقاد و انتقاد از خود اصولی خط تمایزی بین شیوه تفکر پرولتاریائی و شیوه تفکر خرده - بورژوائی می باشد!"** (۲۳)

به جای این، چنان چه اشتباهات اصولی توجیه و تعمیق شده باشند، شیوه تفکر خرده - بورژوائی می تواند در کار حزبی غلبه کند.

• گذار به سومین مرحله ی پیشروی شیوه تفکر خرده - بورژوائی عبارتست از: شیوه تفکر خرده - بورژوائی **در خط مشی ای خرده - بورژوائی به خود نظم می دهد**.

تجربه نشان می دهد که این روند به مثابه **نظم دهی متدهای خرده - بورژوائی در عمل بروز می کند**. در چنین وضعی، باز هم امکان غلبه بر شیوه تفکر خرده - بورژوائی از طریق **اقدامات ویژه** گرفته شده در رابطه **باشکوفاسازی انتقاد و انتقاد از خود اصولی** در تمامی حزب وجود دارد. اما اگر شیوه تفکر با مشی ای خرده - بورژوائی خود را بیان کند، تضاد بین شیوه تفکر پرولتاریائی و خرده - بورژوائی به تضادی آشتی ناپذیر تغییر می یابند. مبارزه ای آشکار بین دومی شروع می شود. مشی خرده - بورژوائی به خاطر نجات وحدت حزبی بایستی در هم شکسته شود. اگر مشی خرده - بورژوائی غلبه یابد، حزب مارکسیست - لنینیست از هم پاشیده و با به حزبی رویز یونیستی تبدیل می گردد.

نظم خودکنترلی حزب و پراتیک اش بایستی همیشه این قانون را در پیشروی شیوه تفکر خرده - بورژوائی به اجرا در آورد تا به طرز صحیحی تضادها را **در هر لحظه** حل کند. مبارزه علیه شیوه تفکر خرده - بورژوائی بایستی در هر مرحله ای با روشهای متفاوت پیش برده شود.

به کاربردن آگاهانه ی روش

دیالکتیکی

در سطح آموزش تفکر

به کار گرفتن آگاهانه ی متد دیالکتیکی در سطح آموزش شیوه تفکر تحلیل نقش اجتناب ناپذیر شیوه تفکر در تکامل اجتماع و نتیجه گیری از آن برای استراتژی و تاکتیک در مبارزه برای شیوه تفکر توده ها، در ساختمان حزب مارکسیست - لنینیست و در آماده سازی انقلاب بین المللی ضروری می باشد. تحقق آن معادل شیوه تفکر پرولتاریائی به مثابه پایه است. این به معنای به کارگیری خلاق مارکسیسم - لنینیسم در هر مسئله



(۲۵)- راه انقلابی ۲۶، ص. ۱۱۹

مشخص مبارزات طبقاتی و ساختمان حزب در به کارگیری آگاهانه ی متد دیالکتیکی می باشد. معیارهای اصولی کارحزبی برپایه شیوه تفکر پرولتاریائی عبارتند از:

۱. سیستم پنج جانب اساسی ساختمان حزب به مثابه وحدت دیالکتیکی تئوری و پراتیک
 ۲. سیستم راه انقلابی به مثابه پایه ایده نولوژیک - سیاسی وحدت عمومی تئوری و پراتیک
 ۳. سیستم کارسازماتی و در چارچوب ترانژونین به مثابه کنش و واکنش منظم بین تعیین و کامل کردن مشی ایده نولوژیک - سیاسی و درک انتقاد و انتقادازخود و خلاقانه به عمل درآوردن

۴. سیستم کار روزانه درپایه با بخش مرکزی کنش و واکنش عمومی بین ساختمان حزب و ارتقاء خودسازماندهی توده ها، به خصوص به طور نهائی

۵. سیستم خود کنترلی حزب به مثابه متداصلی برای حل مسئله کادرها شیوه تفکر پرولتاریائی به مثابه کار پایه ای حزب مصرانه خواستار درک و تحقق سیستم وحدت تئوری و پراتیک کارحزب در تمامی جهاتش درعمل است. کار درچهارچوب مارکسیست - لنینیستی ترانژونین درعمل کردن درست این مواد خلاصه می شود.

یکی از مهمترین دستاوردهای به کارگیری خلاق و تکامل بخش مارکسیسم-لنینیسم جهت هماهنگ کردن آن با شرایط کنونی مبارزه طبقاتی تلاش ویلی دیکهوت عبارت بود از مرزبندی کارحزبی به مثابه به کارگیری آگاهانه متد دیالکتیکی. بدین ترتیب، در راه انقلابی ۲۰، به تعریف استراتژی و تاکتیک مارکسیست - لنینیستی به مثابه " ... به کارگیری آگاهانه متد دیالکتیکی برای هدایت و بالابردن مبارزه طبقاتی به سطحی عالیتزر." (۲۴) پرداخت. این درک فعالیت‌های مختلف حزب به مثابه به کارگیری آگاهانه متد دیالکتیکی کلیدی درقراردادن کار برپایه شیوه تفکر پرولتری می باشد.

طبق این متد، تبلیغ و ترویج مارکسیست - لنینیستی باید به مثابه به کارگیری آگاهانه ی متد دیالکتیکی برای برانگیختن و بالابردن آگاهی طبقه پرولتر به سطح عالی تر درک شود. کار مارکسیست - لنینیستی حزب درمیان جوانان عبارت است از به کارگیری آگاهانه ی متد دیالکتیکی برای جلب عضو شدن تعداد وسیعی از جوانان در ساختمان حزب مارکسیست - لنینیست. انتقاد و انتقادازخود اصولی به کارگیری آگاهانه ی متد دیالکتیکی جهت تکامل عمومی تئوری و پراتیک حزب می باشند.

مرکزیت دموکراتیک به کارگیری آگاهانه ی متد دیالکتیکی برای تقویت و رشد وحدت اصولی حزب است. آموزش و کنترل به کارگیری آگاهانه ی متد دیالکتیکی در درک انتقاد و انتقادازخود و به عمل درآوردن خلاق مشی ایده نولوژیک - سیاسی توسط کادرها و اعضای حزب درتحلیل تجارب عملی درتئوری و پراتیک به خاطر تکامل بخشیدن و معین کردن مشی ایده نولوژیک - سیاسی می باشند.

هریک از این میدانهای به کارگیری دیالکتیک ویژه خود را دارد. برعکس شیوه تفکر متافیزیکی متد دیالکتیکی را تنها به مثابه یک انتزاع، جداازتئوری و پراتیک ساختمان حزب درنظر می گیرد. یا تنها مثل متد ویژه ای بین بسیاری از آنها می شناسد. نتیجه آن که شیوه تفکر خرده - بورژوائی درکارحزب درشکل متافیزیکی و ایده آلیستی نفوذ می یابد و درساختمان حزب خراب کاری ایجادمی کند. بدین جهت پایه شیوه تفکر پرولتاریائی به معنای درک و تحقق عمومی هروظیفه درساختمان حزب و مبارزه طبقاتی، به مثابه به کارگیری آگاهانه ی متد دیالکتیکی است.

« این سه فکر را ضروری می سازد:

۱. تفکر عمیق: بررسی نیروها و گرایشات متضاد، کشف جوانب و روابط جدید.
 ۲. تفکر دورنمائی: برنامه ریزی، گذار از کمیت به کیفیت
 ۳. فعالیت منظم: وحدت بررسی و سنتز، و کنترل منظم - روند دائمی تعمیق آگاهیها.» (۲۵)

منتشرشده توسط: حزب مارکسیست - لنینیست آلمان (ام.ال.پ.د)،

Koststrasse8,
D-45899 Gelsenkirchen

مسئول انتشارات:

D.Grunwald,Köningsbergstr.30,
D+45881Gelsenkirchen

.....

منابع

- (۱۷)- رهنمودها برای ساختمان تشکیلاتی حزب، دفترتشکیلاتی کمینترن، ۱۹۲۵، پلشویکی کردن حزب کمونیست آلمان، بخش ۲، ص. ۹۹، با تاکید استفن انگل
 (۱۸)- همانجا، ص. ۲۵۷
 (۱۹)- راه انقلابی ۲۶، ص. ۲۱۳
 (۲۰)- راه انقلابی ۲۴، ص. ۳۵
 (۲۱)- مائوتسه دون، "درباره تضاد"، پکن ۱۹۶۶، ص. ۶
 (۲۲)- همانجا، ص. ۵۰
 (۲۳)- راه انقلابی ۲۶، ص. ۲۶۰
 (۲۴)- راه انقلابی ۲۴، ص. ۲۰



اعلامیه کمیته هماهنگی

بین المللی ... بقیه از صفحه آخر

۲. مواد رادیوآکتیو کشیده شده از اعماق ریخته شده به بیرون توسط آب سوراخ کننده، اثرات سرطانی دارند. دراطراف چاهها زلزله هائی نیز به کرات رخ داده اند.
 ۳. سوختن گاز حاوی متان باعث افزایش گازکربنیک شده و بدین ترتیب تهدید فاجعه آمیزی را درآب و هوا باعث می شود.

« آلوده شدن اقیانوسها و قاره ها، ازبین رفتن جنگلها با باران و قشر اوزون، استخراج خطرناک گاز، ذغالسنگ، نفت، اورانیوم و دیگر مواد اولیه باعث جدی ترین صدمات به بخش بیو سفر(بخش هوای قابل تنفس - مترجم) و آلوده شدن فزاینده مواد سمی برای توده ها در سطح جهانی می گردد.» (قطعهنامه دومین کنگره ایکور درمبارزه علیه تهدید فاجعه زیست محیطی جهانی در آوریل ۲۰۱۴، انتشاریافته در صفحه اینترنتی ایکور). بدین ترتیب، فراکینگ عامل اصلی دیگری در گذار به فاجعه زیست محیطی جهانی می گردد.

برای قابل قبول نمودن بیشتر فراکینگ ازجانب توده ها، قول «فراکینگ تمیز» و حفاظت مناطق آب آشامیدنی داده می شود. ولی کیسه های آب زیرزمینی آرام نمی مانند و فراکینگ تنها کارش افزودن موادمی به آنها می باشد. هدف سوراخ کردنهای آزمایشی به منظور آرام کردن ساکنان است، ولی درواقع آنها درخدمت ایجاد یک واقعیت رخ داده می باشند. برای حفاظت از محیط زیست طبیعی مان و ازاین طریق هستی بشریمان، به جز مبارزه برای خواستهایمان راه دیگری نیست:

غدغن کردن فراکینگ با آب - در تمامی جهان! گذار به انرژی ۱۰۰ در ۱۰۰ قابل تجدید!
 وقتی که کشوری مثل فرانسه و بلژیک یا برخی کمونها و دولت‌های منطقه تا به حال فراکینگ را غدغن کرده اند، احتمال اینکه دعوا علیه آنان توسط خواست کمیسیون اروپائی اقامه شود وجوددارد. تنها برای پذیرش حداکثر فراکینگ. و به هر حال جهت تخریب پایه های هستی انسانی





پیشینه و ریشه های جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم در تاریخ جهان

بقیه از صفحه آخر

نظام جهانی، به هیچ وجه محدود

به کشور چین و ایران نبوده و بلکه در همان دوره تاریخی کشورهای گوناگون و متعددی (از ویتنام و هندوستان در آسیا، مصر و آفریقای جنوبی در آفریقا و... تا مکزیک، ونزوئلا، کلمبیا، بولیوی و... در آمریکای لاتین) بودند که در درون جنبش های توده ای ضد استعماری و ضد امپریالیستی آن کشورها، آرزوی انسان در حرکت به سوی سوسیالیسم به طور قابل ملاحظه ای حضور فعال و عینی داشت که تاکنون به بقای خود ادامه داده است. در اینجا پیش از بررسی ریشه های دودمانی خواست انسان در جهت استقرار سوسیالیسم در کشورهای چین و ایران به عنوان نمونه هایی از مشرق زمین (کشورهای پیرامونی در بند نظام) بپردازیم، بگذارید نیم نگاهی به موقعیت و وضعیت سیاسی و اقتصادی این دو کشور در دوران پیش از نیمه مستعمره گشتن آنها، بیانداریم.

نکاتی پیرامون موقعیت

چین و ایران

در دوره پیش از نیمه

مستعمره گی

- بررسی مقایسه ای مدارک و اسناد متعدد و گوناگون تاریخی که در دسترس هستند نشان می دهد که چین در شرقی ترین بخش آسیا و ایران در قلب آسیای جنوب غربی (خاورمیانه بزرگ) برخلاف هندوستان و سیلان (مستعمرات انگلستان) و کشورهای عربی (مجموعاً بخشی از امپراتوری عثمانی) و کشورهای ماچین (مثل اندونزی، مالزی، ویتنام و...) برای مدت های مدید در مقابل تهاجمات استعماری و غارتگری های کشورهای مرکز مقاومت کرده و تا نیمه اول قرن نوزدهم (ایران تا سال ۱۸۲۷ و چین تا سال ۱۸۴۰) استقلال خود را در مقابل هجوم نیروهای استعماری اروپای غربی حفظ کردند. در واقع تا زمانی که تهاجمات پی در پی نیروهای نظامی روسیه تزاری و امپراتوری انگلستان درهای به ترتیب ایران و سپس چین را به سوی تهاجمات نظامی و غارتگری های اقتصادی خود باز نکرده بودند، هم ایران و هم چین طبق مدارک تاریخی موجود دو تا از قطب های اصلی جذب و ادغام سرمایه در

محیطی سرمایه داری جلوگیری نمود.» (قطعنامه کنفرانس جهانی دوم ایکور) محیط اقتصادی را از سود نجات دهیم! پرولتاریای همه ی کشورها، متحد شوید! پرولتاریای همه ی کشورها و ملل تحت ستم، متحد شوید!

احزاب ایکور را تقویت کنید!
امضا کننده گان

(به تاریخ ۲۹/۰۹/۲۰۱۴، امضاهای

دیگر نیز ممکن است):

۱. حزب مارکسیست - لنینیست خط پرولتاریائی مراکش
۲. حزب کمونیست آفریقای جنوبی (مارکسیست - لنینیستهای متحد)
۳. سازمان مارکسیست - لنینیست افغانستان
۴. حزب کمونیست بنگلادش
۵. حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست)
۶. حزب رنجبران ایران
۷. حزب کمونیست نپال (متحدشده)
۸. حزب کمونیست نپال (مشال)
۹. گروه انقلابی کمونیستی (زاویه سرخ) روس سفید
۱۰. حزب کمونیست بلغارستان
۱۱. حزب مارکسیست - لنینیست آلمان
۱۲. سپیده سرخ هلند
۱۳. پلانفرم مارکسیست - لنینیستی روسیه
۱۴. گروه مارکسیست - لنینیستی سوئیس
۱۵. حزب کار یوگوسلاوی
۱۶. مقاومت - حزب کارگران اسلواکی
۱۷. حزب کمونیست - حزب کارگران چکسلواکیا، جمهوری چک
۱۸. حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ترکیه/کردستان شمالی
۱۹. شورای هماهنگی جنبش کارگری اوکراین
۲۰. حزب کمونیست کلمبیا - مائونیست
۲۱. حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست جمهوری دومینیکن)
۲۲. حزب کمونیست پاراگوئه (مستقل)
۲۳. حزب مارکسیست - لنینیست پرو
۲۴. حزب پرولتاریائی پرو

توسط نظام امپریالیستی. فراخوانهای جهت دار «با دلیل» توسط حاکمان به هیچ کاری نخواهند آمد. در قطعنامه دومین کنفرانس جهانی ایکور آمده:

«در چنین شرایطی، جنبش زیست محیطی باید با تجدید جهت گیری سطحی جهانی جدید بیابد. پایه آن باید مقاومت فعال برای نجات محیط زیست از اقتصاد سود ده باشد. این باید برای یک نظام اجتماعی بدون استثمار انسان و طبیعت آماده شود.» «مارکس و انگلس روی وحدت بشر با طبیعت برای تکامل اجتماعی مترقی تاکید نمودند. ایکور باید با وظیفه ی آگاهی دادن جدید بالا در درون خودش و در میان توده ها در مورد فوریت مسئله زیست محیطی و راه حل اش با آماده سازی تحقق انقلاب سوسیالیستی در سطح جهانی، درگیر شود. بدون دفاع از درسهای مارکسیسم - لنینیسم در مورد وحدت اساسی انسان با طبیعت و رشد آنها به سطحی عالیتر، بدون دفاع از دستاوردهای سوسیالیستی در مورد سیاست زیست محیطی، بدون مبارزه برای حفظ پایه های هستی طبیعی، امروز نمی توان انقلاب سوسیالیستی جهانی را تدارک دیده و با موفقیت متحقق ساخت!.»

این پیروزی اتحادشوروی در زمان سوسیالیست بودنش بود، که ارجحیت را به انرژی از آب داد با وجودی که منابع عظیمی از ذغال و گاز طبیعی داشت و بدین ترتیب وحدت بشر و طبیعت را تکامل بخشید. امروز، مقاومت علیه فزاینده در تمامی جهان در حال رشد است. احزاب و سازمانهای متعلق به ایکور در اروپا با تمامی وجود از فعالیتهای مقاومتی حمایت می کنند و برای ساختن جبهه ی مقاومت بین المللی علیه تهدید فاجعه ی زیست محیطی زمین درگیرند. برای حفظ وحدت انسان و طبیعت، نظام امپریالیستی باید سرنگون شود. در این مبارزه ی انقلابی نقش رهبری متعلق به طبقه ی کارگر است. احزاب ایکور از این واقعیت آگاهند که «تنها با پیروزی سوسیالیسم در سطح جهانی می توان از فاجعه ی زیست

ایکور به هنگام تاسیس اش در ۲۰۱۰، تصمیم به گرفتن ۴ روز مشترک مبارزه در هر سال گرفت: ۸ مارس روز بین المللی مبارزه برای رهایی زنان؛ اول ماه مه روز بین المللی مبارزه طبقه کارگر؛ یک روز مبارزاتی بین المللی علیه فاشیسم و جنگ در ۹/۸ ماه مه؛ ۶ اوت یا اول سپتامبر روز مبارزه بین المللی برای نجات محیط زیست. این در ۶ دسامبر ۲۰۱۴ در سطح جهانی همزمان با کنفرانس جهانی آب و هوا در لیما برگزار می شود.

**به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید و نظرات
خود را در آنها منعکس
کنید!**



جهان محسوب می گشتند. اقتصاد ایران به ویژه در قرن های هفدهم و هیجدهم و اقتصاد چین تا آغاز قرن نوزدهم ، اقتصادهای متکی به خود بوده و در مقایسه با اکثر کشورهای آن زمان ، منطبق با نیازمندی های ایران و چین بودند.

- همراه با رشد صنایع نساجی در شهرهای بزرگ و ظهور و رشد شهرهای جدید تجاری ، نطفه های اصلی بورژوازی بازرگانی در نیمه دوم قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم در کشورهای چین و ایران شکل گرفته و به سرعت رشد یافتند . ولی بعد از افول و اضمحلال حاکمیت متمرکز صفویه در ایران و سپس تضعیف سلسله چینگ در چین قدرت های استعماری اروپا که در نواحی و مناطق همجوار ایران و چین به ترتیب در شبه قاره هندوستان و در ماچین (کشورهای کنونی اندونزی ، مالزی ، ویتنام و...) از موقعیت مسلط و برتری نظامی برخوردار بودند ، توانستند با اشتعال جنگ های بیست سال "

تریاک " (۱۸۶۰ - ۱۸۴۰) در چین و جنگ های گلستان و ترکمنچای در ایران (۱۸۱۳ و ۱۸۲۷) بورژوازی جوان تجاری آن کشورها را از بازار گسترده و طبیعی خود محروم سازند . این شرایط ایران و چین را به صحنه قدرت نمائی استعماری و عرصه رقابت نیروهای استعمارگر (امپراتوری انگلستان و تزاریس روسیه در ایران و امپراتوری انگلستان و دیگر نیروهای استعماری در چین) تبدیل نمود. این انحطاط شتاب آمیز که بعضی از مورخین تاریخ اقتصاد نظام جهانی سرمایه آن را آغاز پروسه " نیمه مستعمره شدن " و بعضی ها آنرا تبدیل چین و ایران به کشورهای توسعه نیافته پیرامونی و حاشیه ای و بعضی دیگر آن را آغاز جذب و پیوند آن کشورها به محور نظام جهانی سرمایه نامیده اند ، فقط و صرفا به کشورهای ایران و چین محدود نمی گشت . بلکه در آن دوره به ویژه در طول قرن نوزدهم کشورهای ایتوپی و مراکش در آفریقا ، نپال و تایلند در آسیا که مثل چین و ایران هیچوقت به مستعمرات رسمی و ارضی نیروهای استعمارگر اروپا و آمریکا و ژاپن تبدیل نشده بودند نیز به سرنوشت چین و ایران دچار گشتند.

- پروسه فلاکت بار " نیمه مستعمره شدن " و یا " توسعه نیافتگی " چین و ایران در قرن نوزدهم نه تنها بورژوازی تجاری و صنایع نوپای ایران و چین (هم چنین دیگر کشورهای نیمه مستعمره شده) بلکه کارگران ، صنعتگران شهر و روستاهای

آن کشورها را که در این دوره هر یکی کمتر از ۱۰ درصد نیروی کار را در آن کشورها تشکیل می دادند ، نیز به فلاکت ، بیکاری و درددری کشید . در آن دوره در حالیکه بخش بازرگانی بزرگ بورژوازی تجاری چین و ایران (سردمداران سرشناس و متمول تجاری " راه ابریشم ") توانائی آن را داشتند که با خرید اراضی خالصه و نزدیکی و لاجرم پذیرش عبودیت سرمایه داران خارجی خود را نجات داده و هسته های اصلی بورژوازی " کمپرادور " چین و ایران را بوجود آورند ، صنعتگران و کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا با از دست دادن وسایل محقر تولید خود با بیکاری ، بی خانمانی و گرانی مزن روبرو گشته و راه مهاجرت به خارج از مرزهای کشورهای خود (مثل ژاپن در مورد چین و روسیه تزاری در مورد ایران) را در پیش گرفتند .

- شایان ذکر است که علیرغم این تلاطمات فلاکت بار و اوضاع و انفسای نیمه مستعمره گی و شیوع استبداد ، بیکاری و بی خانمانی منبعث از آن اوضاع که نزدیک به صد سال (از آغازین سال های قرن نوزدهم تا آغازین قرن بیستم) طول کشید ، ما شاهد شکلگیری و رشد اندیشه ها و جنبش های توده ای و بروز خواسته های رو به سوسیالیسم در درون این جنبش ها ، هستیم که درس آموزی از آنها امروز برای چالشگران ضد نظام جهانی سرمایه داری - امپریالیستی ، ضروری و حائز اهمیت هستند.

شجره نامه تاریخی حرکت رو به سوسیالیسم در درون جنبش های توده ای کشورهای در بند:

چین و ایران

- اولین انقلاب سوسیالیستی (کمون پاریس) در یک کشور توسعه یافته متروپل (فرانسه) به وقوع پیوست که در آن زمان (آغاز دهه ۱۸۷۰) بعد از انگلستان مقام دوم را در جهان سرمایه داری امپریالیستی به خود اختصاص داده بود . ولی قیام تاپینگ چین (۱۸۶۴-۱۸۵۱) و انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۱۲-۱۹۰۵) در کشورهایی از بخش در بند پیرامونی نظام ، به وقوع پیوستند که به تازگی به عنوان نیمه مستعمره در درون سرمایه داری امپریالیستی ادغام گشته و منطقه ای از بخش وسیع پیرامونی در بند نظام جهانی را ، تشکیل می دادند . این

- انقلابات تاپینگ و مشروطیت بنای تاریخی فراز امواج اولین اندیشه های سوسیالیستی در این کشورها (که به علل گوناگون اقتصادی و ژئوپولیتیکی گرگانه های سوق الجیشی در مناطق توفانی نظام محسوب می شدند و هنوز هم از آن موقعیت برخوردار هستند) را بنا ساختند . در جریان انقلاب تاپینگ در دوره ۱۸۶۴-۱۸۵۱ و سپس در انقلاب مشروطیت در دوره ۱۹۱۱-۱۹۰۵ رهبران انقلابی برای اولین بار در تاریخ نظام جهانی سرمایه مسائل اجتماعی فلاکت بار و ولی فراگیر زمان خود (مثل تعدد زوجات ، صیغه و تن فروشی) را به بحث و بررسی گذاشته و در جهت منع و الغای آن ها ، کوشیدند .

- رهبران و سیاست های تاپینگ در چین و انقلاب مشروطیت در ایران با رواج و اشاعه مولفه های عدالت اجتماعی پایه های اصلی استراتژی انقلابی خلق های بخش پیرامونی نظام جهانی را علیه امپریالیسم و رژیم های گوناگون مالک - رعیتی (فنودالیسم) ریخته و به عنوان " اجداد " انقلابات خلق های جنوب که در طول قرن بیستم در کشورهای " مناطق توفانی " جهان سوم (آفریقا ، آسیا ، و آمریکای لاتین) به وقوع پیوستند - معروف گشتند . مدارک تاریخی موجود و در دسترس به خوبی نشان می دهند که ارثیه های ضد امپریالیستی این انقلابات بعدها در اواسط قرن بیستم در دوره فراز اولین امواج خروشان بیداری و رهائی منابع الهام بخش برای مانو ، هوشی مینه و رهبران جنبش های رهائی بخش ملی گشته و مسیر جدیدی برای استقرار



استقلال (حاکمیت ملی) و گسست از نظام جهانی امپریالیسم و سرنگونی رژیم های بومی کمپرادور را پی ریزی کردند: مسیری که به توده های بشریت زحمتکش فرصت داد که با ترویج اندیشه های سوسیالیستی وارد مرحله گذار طولانی رو به سوسیالیسم، گردند.

- مدارک و اسناد تاریخی موجود نشان می دهند که در دوره نزدیک به صد سال (از ۱۸۲۸ تا ۱۹۱۱) ایران و چین به پیشگامان نادر در شکلگیری و بسط اندیشه های رهائی بخش ملی همراه با اشاعه اندیشه های تجدیدطلبی رو به سوسیالیسم و مقاومت و مبارزه علیه تهاجم و نفوذ نیروهای امپریالیستی مقتدر در خطه های بزرگ و ژئوپولیتیکی خاورمیانه و شرق آسیا در دهه های آغازین قرن بیستم، تبدیل گشتند.

- انقلاب تایپینگ در چین و انقلاب مشروطیت در ایران با ترویج و تبلیغ و پیشبرد مبارزات ضد استبدادی علیه حاکمین کمپرادور چینگ و قاجار از یک سو و مقاومت های متنوع مسالمت آمیز و مسلحانه توده ای علیه نیروهای امپریالیستی روسیه تزاری و امپراتوری انگلستان در ایران و امپریالیسم نو برخاسته ژاپن در چین از سوی دیگر، توانستند به تشدید دو روند مترقی و رو به پیش در داخل و خارج از مرزهای چین و ایران دامن بزنند. این دو روند، عبارت بودند از:

۱- تکامل روند مدرن و متجدد همبستگی بین ملیت های متنوع ساکن چین در نیمه دوم قرن نوزدهم و ملیت های ساکن ایران در اولین دهه قرن بیستم و ادغام آن ملیت ها در درون ملیت - دولت های واحد و مشخص چین در آسیای شرقی و ایران در آسیای جنوب غربی (خاورمیانه) و

۲- روند انتقال و اشاعه اندیشه های رو به سوسیالیسم موجود در درون جنبش های رهائی بخش از چین و ایران به کشورهای هم جوار آن دو کشور.

- بدون تردید کمون پاریس (از مارس تا مه ۱۸۷۱) صرفاً یک فصل در تاریخ کشور فرانسه محسوب نمی شود. زیرا وقایع دهه های متمادی بعد از وقوع انقلاب کمون به طور نمایان نشان می دهند که اندیشه ها و برنامه های آزادی خواهی و برابری طلبی کمون پاریس در اقصی نقاط اروپا نه تنها شیوع یافتند بلکه منجر به فراز مبارزات سوسیالیستی در کشورهای متعدد اروپا و آمریکای شمالی و حتی آمریکای لاتین نیز گشتند. هم چنین به نظر این نگارنده قیام ها و یا انقلابات تایپینگ و مشروطیت نیز

فقط یک فصل به ترتیب در تاریخ چین و ایران نبودند. زیرا این انقلابات و جنبش و جوش های رو به سوسیالیسم درون آنها نیز سرآغاز و پیشآهنگ جنبش های رهائی بخش ضد استعماری در بخش بزرگی از کشورهای پیرامونی در بند که در همسایگی این کشورها قرار داشتند، گشتند. به عنوان مثال، تجارب انقلابی و ادبیات متنوع سیاسی درون مشروطیت منجمله اندیشه های سوسیالیستی اجتماعیون - عامیون، به دو علت اساسی و به طور طبیعی از ایران به کشورهای همسایه آن نفوذ یافتند.

- یکم اینکه ایران از منظر جغرافیای سیاسی و فیزیکی گرهگاه و نقطه اتصال و همسایه دیوار به دیوار سه تمدن بزرگ روسیه (حلقه ضعیف امپریالیسم) در شمال ایران، تمدن اعراب خاورمیانه و آفریقای شمالی در غرب و جنوب ایران و تمدن هند در شرق، بود.

- دوم اینکه شکل و ترکیب بندی جمعیت ایران از نظر انتیکی (تباری - ملی) به ویژه زبان و فرهنگ راه های تبادل و انتقال اندیشه های رهائی بخش ملی و ادبیات سیاسی به آن کشورها (که جملگی تحت تسلط امپراتوری های روسیه تزاری، عثمانی و انگلستان بودند) را به طور قابل ملاحظه ای سهل و آسان ساخت. تشدید این دو روند (روند مدرنیته استقرار ملت - دولت واحد و روند نفوذ و اشاعه اندیشه های رهائی بخش همراه با حرکت به سوی سوسیالیسم) در مورد کشور چین نیز در دهه های آغازین قرن بیستم صدق می کرد. در آن دوره اندیشه های رهائی بخش و استراتژی های مبارزاتی از چین نیمه مستعمره به کشورهای متنوع و همجوار چین (ویتنام، کامبوج، برمه، مالایا که جملگی مستعمرات امپراتوری های فرانسه و انگلستان بودند) نیز انتقال یافته و فراگیر گشتند. این دو روند با حضور فعال لنین و دیگر بلشویک های ضد نظام جهانی سرمایه (امپریالیسم) در دهه های آغاز قرن بیستم تشدید یافته و گسترش چشمگیری در کشورهای مشرق زمین یافتند.

دستاوردهای لنین و نظراتش

- لنین با تحلیل مارکسیستی از اوضاع متلاطم جهان در دهه های اول و دوم قرن بیستم پدیده امپریالیسم (منبعث از عروج مرحله انحصاری و مالی سرمایه داری) را نه تنها به نیروهای ضد نظام سرمایه داری در اروپا بلکه به نیروهای رهائی بخش ملی

در کشورهای "مشرق زمین" نیز معرفی و شناساند. لنین در پرتویک تحلیل مارکسیستی از اوضاع جهان در دوره جنگ اول جهانی (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) و با توجه به فراز امواج خروشان بیداری و رهائی در سال های بلافاصله بعد از پایان جنگ جهانی اول (۱۹۲۲ - ۱۹۱۸) در کشورهای "مشرق زمین" (ایران، هندوستان، چین، ویتنام و...) دو پی آمد عملکردی امپریالیسم را در ارتباط با کشورهای در بند پیرامونی مطرح ساخت که امروز نیز به قوت خود باقی هستند. یکم اینکه "انقلاب" دیگر در انحصار و مالکیت کشورهای غرب (اروپا و آمریکا) نیست بلکه دقیقاً و برعکس در صدر برنامه های کشورهای "مشرق زمین" قرار دارد. دوم اینکه بلشویک ها و دیگر چالشگران رادیکال ضد امپریالیست برای حفظ و حراست انقلاب و پایداری آن در مقابل تهاجمات پی در پی نیروهای امپریالیستی باید و ضروری است که با نیروهای رهائی بخش ملی در کشورهای مشرق زمین (کشورهای جهان سوم = در بند پیرامونی نظام) اعلام همبستگی و همکاری کنند.

- البته نزدیک به ۴ تا ۵ سال طول کشید که لنین به این جمع بندی و نتیجه گیری دست یابد. بررسی نوشته های لنین در سال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱ نشان می دهد که او در سال های اول بعد از پیروزی انقلاب اکتبر امیدوار بود که وقوع انقلابات کارگری در کشورهای امپریالیستی مرکز (آلمان، فرانسه و...) و پیروزی آنها به بقای شوروی جوان و ادامه انقلاب در روسیه کمک های موثری خواهد کرد. ولی شکست این انقلابات و حتی سرکوب فیزیکی رهبران آنها (روزالوکزامبورگ، کارل لیبکنشت، بلاکن و...) در سال های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ به لنین آموخت که انقلاب در کشورهای امپریالیستی با شکست روبرو گشته و در عوض روند انتقال ثقل و جاذبه انقلاب به کشورهای در بند پیرامونی (چین، ایران، ویتنام، امپراتوری عثمانی و دیگر کشورهای نیمه مستعمره و مستعمره در آسیا و آفریقا) تشدید پیدا کرده است.

- علیرغم دست آوردهای لنین در زمینه های امپریالیسم و شناسائی مارکسیستی از وقوع و انتقال و شیفت امر انقلاب از کشورهای امپریالیستی مرکز به کشورهای در بند پیرامونی براساس تجارب و دانشی که امروز داریم باید به این نکته اساسی اشاره کنیم که لنین و خیلی از لنینیست ها نتوانستند "مسئله دهقانان" را به عنوان یک گره



عمده و مرکزی در انقلابات جدیدی که در کشورهای دربند پیرامونی در حال شکوفایی بودند، مورد مذاقه قرار دهند. در واقع در بحبوحه پیروزی انقلاب، لنین و یارانش عوض اینکه مسئله دهقانان را به عنوان یک امر استراتژیکی و یک اصل کلیدی در پیشبرد انقلاب رو به سوسیالیسم ارزیابی کنند به آن یک برخورد تاکتیکی و موقتی کرده و به این نتیجه رسیدند که انقلاب روسیه باید زمین را در اختیار دهقانان روسیه قرار داده و آنها را مالکین اصلی زمین محسوب دارند. این سیاست با اینکه به درستی و به حق به اهمیت استثمار دهقانان روسیه (که در آغاز دهه دوم قرن بیستم و بحبوحه انقلاب اکتبر نزدیک به ۷۲ در صد نیروی کار را در روسیه تزاری تشکیل می داد) توجه صمیمانه داشتند ولی آنها درک نازل از این اصل که "زمین کالا نیست" داشتند. در این برهه از تاریخ جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم مائوتسه دون و یارانش را داریم که در دهه های ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم وظیفه حل مسئله ارضی و دهقانان را با پیاده کردن این اصل که زمین کالا نیست، با موفقیت به پیش برده و بالاخره در ۱۹۴۹ به پیروزی رساندند.

- دستاوردهای مائو در تکامل مارکسیسم در کشورهای دربند پیرامونی

- مائو و رفقاییش که عموماً فرزندان راستین قیام تایپینگ بودند با درس آموزی از اشتباهات و محدودیت های تاریخی انترناسیونال دوم و سپس بلشویک ها در روسیه یک خط مشی سیاسی کاملاً متفاوتی را در گستره حل مسئله ارضی و دهقانان در چین پیاده کردند. بعد از پیروزی انقلاب ۱۹۴۹ اراضی کشاورزی در چین برخلاف روسیه، خصوصی نگردیدند بلکه کلیه اراضی در آن کشور به نمایندگی کمون های روستائی بر اساس زمین کالا نیست در اختیار ملت - دولت چین قرار گرفته و فقط حق دسترسی و استفاده از آن ها به دهقانان داده شد. در صورتی که این امر در روسیه بعد از انقلاب به وقوع نه پیوست. در آنجا بعد از پیروزی انقلاب ۱۹۱۷ زمانی که بلشویک ها شاهد قیام های دهقانی گردیدند، پذیرفتند که در جریان تقسیم اراضی، دهقانان صاحبان اراضی شوند. به هر رو آن هدفی را که بلشویک ها نتوانسته بودند به آن برسند، حزب کمونیست

چین تحت رهبری مائو در چین بعد از انقلاب در دهه ۱۹۵۰ رسید: استقرار این اصل که زمین متعلق به طبیعت بوده و مشمول خرید و فروش مثل یک کالا نیست از طریق اتخاذ یک اتحاد تنگاتنگ استراتژیکی بین کارگران و دهقانان در چین. ولی در روسیه، قیام دهقانان در تابستان ۱۹۱۷ و تقسیم اراضی بلشویک ها در بحبوحه پیروزی انقلاب اکتبر هر نوع فرصتی در جهت اتحاد استراتژیکی با دهقانان را از دست بلشویک ها گرفت. زیرا دهقانان صاحب زمین به شدت متمایل به حفظ و دفاع از حق مالکیت خصوصی اراضی خود (که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب تصویب گشته بود) شدند. در نتیجه، نزدیک به یک دهه بعد از پیروزی انقلاب اکتبر وقتی که حزب کمونیست شوروی برنامه های مترقی و سوسیالیستی کولخوزها و سووخوزها را پیاده کرد، اکثر دهقانان صاحب زمین و متوسط الحال و حتی نیمه مرفه عمدتاً ترجیح دادند که نه با کمونیست ها بلکه با کولاک ها بروند. به هر رو آن استراتژی را که بلشویک ها در ارتباط با وحدت کارگران و دهقانان نتوانسته بودند در جریان انقلاب اکتبر و سال های بلافاصله بعد از آن برسند، حزب کمونیست چین در انقلاب ۱۹۴۹ به آن رسید: اتحاد ارگانیک و استراتژیک با اکثریت دهقانان و دیگر روستائینان بر این اصل که زمین متعلق به طبیعت بوده و نه باید کالا محسوب گردد.

- در یک چشم انداز تاریخی، پیروزی چشمگیر کمونیست های چین در حل مسئله دهقانان چین که در آن زمان (۱۹۴۹-۱۹۶۰) نزدیک به ۷۸ درصد جمعیت ۴۵۰ میلیون نفری چین را در بر می گرفتند، تأثیر بزرگ در روند انقلاب و رشد اوضاع در خود چین گذاشت. شیوع و گسترش این اندیشه که زمین کالا نیست و نمی تواند ملک خصوصی، شخصی و بنگاهی باشد به فراز خروشان امواج بیداری و رهائی خلق های در بند پیرامونی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین شدت بخشیده و لاجرم فصلی نوین در تاریخ تکامل مارکسیسم معاصر با بُعد جهانی تر گشود.

- انقلاب ۱۹۴۹ چین و ادامه سیاست های رو به سوسیالیسم منبعت از آن در عهد مائو منجر به اشاعه یک استراتژی ضد امپریالیستی در سراسر کشورهای دربند پیرامونی (جنوب گلوبال)، گشت که هنوز هم به قوت خود در قرن بیست و یکم، باقی است: استراتژی ادغام تنوع های ضد نظام جهانی سرمایه با حرکت های رو به

سوسیالیسم.

نتیجه اینکه

- در پرتو اوضاع پر از تلاطم رو به رشد و فراز امواج خروشان خلق ها و توده های زحمتکش برای بیداری و رهائی که امروز با ادامه مقاومت تاریخی مردم فلسطین در نوار غزه متجلی تر گشته است، چپ های رادیکال ضد نظام چه باید بکنند؟ امروز میرهن است که "پائینی ها" در سراسر جهان چه در بخش مسلط مرکز امپریالیستی و چه در بخش دربند پیرامونی نظام، از دست "بالائی ها" به ستوه آمده و به مبارزات متنوع و گوناگون علیه آنها روی آورده اند. همان طور که بررسی اجمالی شجره نامه و ارثیه های تاریخی رهبران حرکت های رو به سوسیالیسم به روشنی نشان می دهد امر پیروزی پائینی ها علیه بالائی ها زمانی میسر می گردد که ما به عنوان چالشگران ضد نظام سرمایه به آرمان های همبستگی، همدلی و ادغام تنوع ها در دل و ذهن و عمل میلیاردها انسان، دامن بزیم.

- اینجا بگذارید، پاسخ مشترک تعدادی از شرکت کنندگان سخنران در کنفرانس فوروم چپ در نیویورک به این پرسش که چپ های رادیکال ضد نظام در اوضاع رو به رشد کنونی چه باید بکنند؟ را در سه پاراگراف، جمع بندی کنیم:

۱- در کشورهای مسلط مرکز (امپریالیستی) چپ رادیکال در استراتژی کوتاه مدت خود باید انحلال و مصادره "انحصارات پنجگانه" را در ملاء عام در بین توده های مردم تبلیغ کرده و ترویج نمایند. امر انحلال و مصادره این انحصارات با حمایت از سیاست های ملی (عمومی - همگانی) سازی در تقابل با خصوصی سازی در مرحله اول و با تبلیغ و ترویج سوسیالیزه سازی دموکراتیک مدیریت جامعه در مرحله دوم، می توانند میسر گردند. در جریان کلی این مسیر طولانی است که پروسه های وحدت اعداد و یا "ادغام تنوع ها" تشدید یافته و جامعه را در جهت استقرار "جهانی بهتر" (سوسیالیسم) در جوامع مرکز به پیش، سوق می دهد.

۲- در کشورهای پیرامونی در بند نظام سرمایه، نیروهای چپ رادیکال ضد نظام باید با جسارت و با درس آموزی از ارثیه موهبت بار تاریخ حرکت های رو به سوسیالیسم در درون جنبش های رهائی بخش ملی، به اتخاذ اتحادی از اجزاء اجتماعی متنوع اجتماعی خود نایل آیند



▶ که بالقوه به بدیلی در مقابل پایگاه اجتماعی بورژوازی کمپرادر و لومین حاکم، تبدیل کردند.

۳ - پیروزی چپ های رادیکال ضد نظام در پیاده کردن این وظایف آن و مرحله ای زمانی ممکن تر و میسرتر می گردد که آنها چه در کشورهای مرکز امپریالیستی و چه در کشورهای در بند پیرامونی با درس آموزی و یادگیری از ارثیه های تاریخی حرکت به سوی سوسیالیسم در درون جنبش های توده ای رهائی بخش و ایجاد و گسترش همدلی ها و همبستگی ها نه تنها در بین توده های به ستوه آمده بلکه در بین خود چپ رادیکال، سیاست های میلیتاریستی و جنگ های مرئی و نامرئی راس نظام را با ناکامی روبرو سازند.

- در تحلیل نهائی بحران فرود و ریزش قدر قدرتی، پرستیژ و نفوذ راس نظام و افزایش درجه بی اعتباری و نامحیوبی آن در سراسر کشورهای جهان همراه با فراز امواج خروشان بیداری، مقاومت و رهائی در بین پائینی های به ستوه آمده از یک سو بروز مخالفت ها توسط بخشی از متحدین و شرکای خود راس نظام همراه با مخالفت های تعدادی از کشورهای نوظهور متعلق به " بریکس " نسبت به ادامه هژمونی خواهی آمریکا از سوی دیگر به نیروهای چپ رادیکال ضد نظام فرصت داده که در مقطع فعلی (تابستان ۲۰۱۴) به طور مشخص حد نهائی حمایت همه جانبه خود را به رهائی خلق فلسطین از یوغ اشغال، آپارتاید و بالکانیزاسیون انجام داده و بدین وسیله به امر ناکامی راس نظام در خاورمیانه، حتمیت بخشند.

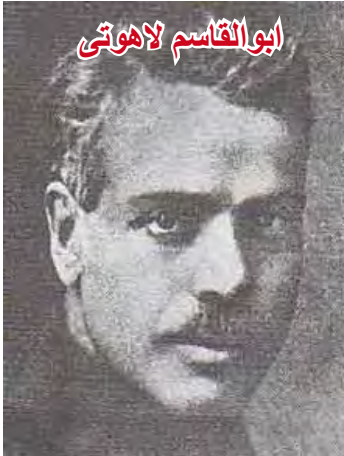
منابع و مأخذ

- ۱ - " ضمام سخنانان " ، در سالنامه " کنفرانس فوروم چپ " ، نیویورک ۲۰۱۴ .
- ۲ - ولادیمیر لنین ، " مسئله ارضی و مبارزه برای آزادی " نوشته ۱۹۰۶ در " مجموعه آثار لنین " ، جلد ۲۲ ، چاپ مسکو ۱۹۶۴ .
- ۳ - ولادیمیر لنین ، " رهائی ملی ، سوسیالیسم و امپریالیسم " ، نیویورک ۱۹۶۸ .
- ۴ - سمیرامین ، " چین ۲۰۱۳ " در مجله مانتهلی ریویو ، سال ۶۴ شماره ۱۰ ، مارس ۲۰۱۳ و " جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم " ، سال ۶۶ شماره ۲ ژوئن ۲۰۱۴ .
- ۵ - یونس پارسا بناب ، " تاریخ صد ساله احزاب و سازمان های سیاسی ایران " (۱۲۸۴ - ۱۳۸۴) ، جلد اول چاپ واشنگتن ۲۰۰۴ .



شاد بمان ای هُنری رنجبر
ای ز تو آباد جهان وجود
دولت شاهان اثر گنج توست
گر تو دو روزی ندهی تن بکار
باعث آبادی عالم تویی

ای شرف دوده نوع بشر
هیچ نبود آراه وجودت نبود
راحت اعیان ثمر رنج توست
یکسره نابود شود روزگار
رنجبرا معنی آدم - تویی



ابوالقاسم لاهوتی

به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

بجز نوشته هایی
که با امضای
تحریریه منتشر
می گردد و
بیانگر نظرات
حزب رنجبران
ایران می باشد،
دیگر نوشته های
مندرج در نشریه
رنجبر به امضا
های فردی است و
مسئولیت آنها با
نویسندگانشان می
باشد.



در جنبش جهانی کمونیستی

به کار بستن آگاهانه روش دیالکتیکی
در سطح آموزش شیوه تفکر
(بخش پایانی)

سیستم کار تشکیلاتی و
چهارچوبی تراز نوین

کمیته مرکزی در سهای اساسی از رشد نظام
متدهای خرده - بورژوائی در مورد آموزش
و کنترل گرفت. در نتیجه، یک سیستم
کار تشکیلاتی و چهارچوبی بر پایه شیوه
تفکر پرولتاریائی را به مثابه عاملی مرکزی
در نظام خودکنترلی حزب معمول ساخت.
منظم سازی کار سازمانی و چهارچوبی

تراز نوین قاطع ترین تغییر سیاسی -
تشکیلاتی در جنبش مارکسیست - لنینیستی و
کارگری از بلشویکی کردن حزب کمونیست
آلمان در سالهای ۱۹۲۰ می باشد.
بلشویکی کردن احزاب کمونیست در تمامی
جهان بر اساس اصول تکامل یافته لنین برای
احزاب تراز نوین حکم فرما شد:
• اجزایی که بر پایه یک مشی ایده نولوژیک
و سیاسی روشنی کار کنند و طبق مرکزیت
دموکراتیک سازمان یافته باشند؛
• فعالیت سیاسی هر عضو حزب در میان توده

پاسیو یا اعضای دائمی که به حزب سوسیال
- دموکرات حق عضویت می دهند؛
• تمرکز در شرکتها و کار کمونیستی
در سطح شرکتها و سندیکاها؛ حوزه های
فعال شرکتها به جای جهت گیری اساسی
شرکت در مبارزات انتخاباتی سازمان داده
شده در مناطق مسکونی؛
• بررسی و تصمیم گیری جمعی در مورد
سیاست احزاب و سازماندهی منظم به
عمل در آوردن و کنترل اش برخلاف سبک
تصمیمات زبانی قاطع، که هیچ کس آن را به
عمل در نمی آورد.

بقیه در صفحه ۱۳

اعلامیه کمیته هماهنگی بین المللی - ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۴

مقاومت فعال برای غدغن کردن فراکینگ
در سراسر دنیا!
شنبه، ۱۱ اکتبر به مناسبت روز جهانی
نه به فراک، مبارزان مخالف فراکینگ به
خیابانها ریخته، به سازماندهی جلوگیری
یا برگزاری شبهای اطلاع رسانی
خواهند پرداخت. در تمامی قاره ها، به ویژه
در آمریکای شمالی و اروپا، مقاومت علیه
فراکینگ (درهم شکستن یا حفر با آب)
در حال رشدیابی است.
گروههای بزرگ انرژی نظیر آگرون موبیل،
ب.پ.، باسف و شاخه وینترشل یا سپ (نفت

می کنند. در حالی که مناطق کاملی بدین
طریق در آمریکا غیر قابل سکونت شده اند:
۱. مخازن آب زیرزمینی که آب چشمه ها را
تامین می کنند طی این عملیات برای مدت
زمانی طولانی آلوده به شن و مواد شیمیائی
بافشار قوی تزیق شده به سیستمهای زیست
محیطی در اعماق زیاد آسیب می رساند.
دست رسی به آب آشامیدنی تمیز توسط
انسانها و حیوانات ناممکن شده، و آب
رودخانه ها نیز ۲۵٪ آلوده به این آبها گشته
که پس از آمدن روی سطح زمین هوا را نیز
آلوده می سازند.

بقیه در صفحه ۱۵

پیشینه و ریشه های جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم در تاریخ جهان

- برخلاف نوشته و ادعاهای مورخین
سیاسی اروپا محور و پست - مدرنیست
های قرن بیست و یکمی شجره نامه و ریشه
های جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم
هیچ وقت در تاریخ محدود به کشورهای
توسعه یافته مرکزهای مسلط امپریالیستی
در اروپا نبوده و بلکه طبق مدارک موجود
پیشینه خواست و آرزوی بشریت زحمتکش

در جهت استقرار " جهانی بهتر " (با چشم
اندازهای سوسیالیستی) در کشورهای در بند
پیرامونی (آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین)
، نیز به دهه های اواسط قرن نوزدهم و دهه
های آغازین قرن بیستم می رسد .
- در بخش دوم و پایانی این نوشتار پس
از بررسی تحلیلی شجره نامه و ارثیه های
تاریخی حرکت به سوی سوسیالیسم در درون

بقیه در صفحه ۱۲

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org